



Sanctions and Iran's Regional Presence; Iranian Elites' Attitude Assessment

Roholla Taghinejad*

Hadi Ajili**

Abstract

Four decades of trade and financial sanctions against Iran apparently ended during the JCPOA. However, the US government withdrew from the international agreement, under the pretext of Iran's activities in its surrounding area which was based on the realistic necessities and aimed at providing security in its periphery; and re-imposed illegal sanctions. Regardless of the intentions of the sanctioning countries in imposing sanctions on Iran, it is necessary to identify the effects and consequences of these international restrictions; both the field and statistical knowledge about these effects and knowledge about the sanctioned country's attitude (including the asses, academic elites, and executive authorities). The present study aimed to assess the Iranian academic and executive elites' attitudes about the sanctions' consequences and their effects on Iran's Regional Presence arena. The data collection tool was a questionnaire. In addition to data analysis, this study provided a qualitative analysis of the attitude measurement. The data were statistically analyzed using SPSS 24 and Smart PLS3 to examine the assumptions formulated as the research hypotheses. Finally, the results were realistically analyzed about Iran's activities in the west of Asia. The study also provided a comparative measurement between the attitudes of two groups of the statistical population (academic and executive elites).

Keywords: Iran Sanctions, Iran's Regional Presence, Elites' Attitude Assessment, Iran's foreign policy.

Article Type: Research Article.

Citation: Taghinejad, Roholla & Ajili, Hadi (2021). Sanctions and Iran's Regional Presence; Iranian Elites' Attitude Assessment, 4(2), 725-768.

* Ph.D candidate in International Relations, Department of Law and Political Science, Faculty of International Relations, Allameh Tabataba'I University, Tehran, Iran,

** Associate Professor, Department of Law and Political Science, Faculty of International Relations, Allameh Tabataba'I University, Tehran, Iran. (Corresponding Author hadiajili@yahoo.com).



International Political Economy Studies, 2021, Vol. 4, Issue 2, 725-768.

Copyright © The Authors

Publisher: Razi University.

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ نگرش سنجی نخبگان ایرانی

روح‌الله تقی‌نژاد*

هادی آجیلی**

چکیده

چهار دهه محدودیت‌های مالی و تجاری غرب علیه ایران، طی موافقت‌نامه برجام ظاهراً به پایان رسید؛ اما دولت آمریکا به بهانه کنش منطقه‌ای ایران که بنا به اقتضانات واقع‌گرایانه برای تأمین امنیت در منطقه پیرامونی خویش بوده است، از این موافقت‌نامه امضا شده بین‌المللی خارج و تحریم‌های غیرقانونی را بار دیگر علیه ایران اعمال داشت. صرف‌نظر از اهداف کشورهای تحریم‌کننده ایران، بررسی و شناخت نتایج و پیامدهای این تنگناهای مالی و تجاری بسیار لازم و بایسته است؛ چه شناخت میدانی و آماری این تأثیرات و چه شناخت دیدگاه‌ها و نگرش‌های جامعه تحریم‌شده، اعم از توده مردم و یا سرامدان و برخورداران از دانش و منصب اجرایی. ما در این پژوهش به سنجش نگرش نخبگان دانشگاهی و نیز نخبگان اجرایی کشورمان درباره پیامدهای تحریم در عرصه سیاست خارجی ایران و همچنین پیوند این تحریم‌ها با کنش و حضور منطقه‌ای ایران خواهیم پرداخت. روش گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق ساخته است، ضمن تحلیل آماری داده‌های به‌دست آمده تحقیق، به توصیف نواقعی گرایانه این نگرش سنجی خواهیم پرداخت. به‌عبارت دیگر، داده‌های آماری به‌دست آمده با نرم‌افزارهای SPSS24 و Smart PLS3 تحلیل آماری خواهند شد تا به بررسی گزاره‌هایی که به‌مثابه فرضیه‌های پژوهش تدوین شده پرداخته شود؛ همچنین سنجشی مقایسه‌ای میان دیدگاه و نگرش دو دسته از جامعه آماری پژوهش (نخبگان دانشگاهی و نخبگان اجرایی) خواهیم داشت؛ و سپس براساس نتایج حاصل از منظر اقتضانات واقع‌گرایانه به تحلیل حضور و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: تحریم ایران، نفوذ منطقه‌ای ایران، نگرش سنجی نخبگان، سیاست خارجی ایران.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

** دانشیار روابط بین‌الملل گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول: hadiajili@yahoo.com)

۱. مقدمه

تحریم‌ها امروزه به‌عنوان یکی از ابزارهای نسبتاً فراگیر در سیاست بین‌الملل به‌کار گرفته می‌شود و به‌دلیل نبود پژوهش جامع درباره این ابزار، هر مرجع‌کننده‌ای به‌صورت فی‌البداهه و منحصربه‌فرد و با آزمون و خطا از آن بهره می‌گیرد و کشورهای هدف نیز پیوسته در حال دور زدن و یافتن مجرای فرار از آن، باز به همان روش آزمون و خطا می‌روند.

کشور ما ایران نیز به‌رغم اینکه سال‌های بسیاری است تحت تحریم‌های گوناگون بین‌المللی قرار دارد و از قضا تحریم‌هایی که بر ما روا داشته شده است با محدودیت‌های هیچ کشور دیگری در هیچ دوره تاریخی، حتی قابل‌سنجش هم نیست؛ اما بسیار اندک با دیدی آکادمیک به مطالعه و شناخت شیوه سازوکار تحریم‌ها و تبیین مجراهای فعالیت آن و به‌ویژه بررسی و سنجش تأثیرات و پیامدهای آن پرداخته شد و اندک تلاش صورت گرفته نیز فروکاسته شده به بررسی ابعاد کارشناسی و جزئی‌بندهای مندرج در اسناد حقوقی تحریم‌ها از منظر حقوقی یا داستان‌سرایی درباره روند تاریخی اعمال تحریم بوده است.

کشف نحوه نگرش و ایستارهای توده مردم، و نیز کشف شیوه فهم و تحلیل نخبگان کشور نسبت به مقوله تحریم و نتایج و پیامدهای آن، تا کنون رنگ هیچ پژوهشی را به‌خود ندیده است و پژوهش‌فراروی، نخستین کار تحقیقی در این بستر است که بر چگونگی نگرش نخبگان فکری و اجرایی، نسبت به پیامدهای تحریم، و با روش گردآوری اطلاعات پیمایشی و پرسش‌نامه نگرش‌سنجی متمرکز شده است.

۲. بیان مسئله

چه تحریم‌ها را کاغذ پاره‌ای بدانیم^۱ و چه آمریکا را معتاد به بهره‌گیری گسترده از ابزار

۱. تعبیر محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت، در زمستان ۱۳۸۵؛ و تعبیر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه در آذر ۱۳۹۲.

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۲۲۷

تحریم بدانیم،^۱ به‌هرحال تحریم‌ها به‌عنوان بخشی از ابزار اعمال قدرت در سیاست بین‌الملل مبدل شده است و آمریکا نیز تمایل بسیاری به وضع تحریم علیه کشورهای هدف، در راستای اهداف سیاست خارجی خود دارد. در واقع امروزه تحریم از یک ابزار، بسیار فراتر رفته و به یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است که آن را با ابزار شورای امنیت یا «اوفک» (*OFAC: Office of Foreign Assets Control*) به سایر دولت‌ها تحمیل می‌کند. آمریکا بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ بیش از ۶۱ تحریم یک‌جانبه علیه ۳۵ کشور وضع کرد یعنی برای ۴۲ درصد جمعیت جهان (*Mafi, 2007: 101*). این کشور تا سال ۲۰۱۲ نیز بیش از ۶۹ قانون برای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه طیفی از کشورها وضع کرده است (*Bradford and Ben-Shahar, 2012*) و تا فروردین ۱۳۹۵ نیز ۲۲ کشور را تحت تحریم‌های خود حفظ کرده است.

اگر از نخستین ممنوعیت تجاری علیه ایران که توسط بریتانیا علیه دولت مصدق و به جرم ملی کردن صنعت نفت ایران اعمال شد بگذریم؛ عمر تحریم‌های آمریکا علیه ایران، برابر با سن نظام جمهوری اسلامی ایران است و از سال‌های آغازین پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ و به دنبال اشغال و گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران آغاز شد. یکی از اهداف راهبردی غرب و به‌ویژه آمریکا در تحریم ایران، ایجاد تنگناهای مالی و مصادره درآمدهای ارزی این کشور با پندار عدم مصرف این درآمدها برای اعمال به‌زعم آنان حمایت از تروریسم در خاورمیانه، و نیز کنترل و محدودسازی حضور منطقه‌ای ایران است. اما طی سال‌های اوج تحریم (بازه زمانی همین طرح پژوهش) روند افزایشی نفوذ ایران در منطقه را شاهدیم.

از نظر سیاسی و نظامی، ایران نسبت به همه قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای نفوذ بالایی در عراق دارد؛ تا آخرین لحظه از حکومت علوی سوریه حمایت سیاسی و حتی نظامی کرد و رقبای حمایت شده توسط قدرت‌های بین‌المللی را به محاق قدرت فرو

۱. تعبیر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت، پس از اعلام خروج آمریکا از برجام در آرداد ۱۳۹۷.

ببرد؛ حوثی‌های یمن به کمک ایران، بازسازی و سازمان‌دهی شده‌اند و به‌نظر می‌رسد ایران برای نفوذ دامنه‌دار در این کشور با مشارکت جنبش انصارالله برنامه دارد؛ مهم‌ترین جریان نظامی و سیاسی لبنان، به‌ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه و پیروزی بر ارتش رژیم صهیونیستی با موشک‌های فجر ۵ ایران، قطعاً حزب‌الله تحت حمایت معنوی و مادی کامل ایران قرار دارد؛ جنبش الوفاق بحرین دارای گرایش بالایی به ایران است و برنامه‌ای برای الحاق مصر به جمع کشورهای متحد ایران وجود دارد و ایران را گروه‌های بسیاری در کویت و عربستان آبخور ایدئولوژیکی خود می‌دانند. آمریکا با حمله به عراق و افغانستان دو دشمن منطقه‌ای ایران را حذف کرد و آن را به یک ابرقدرت منطقه‌ای پرنفوذ مبدل ساخت. مداخله فزاینده و البته پرهزینه ایران در خاورمیانه، یکی از پیامدهای به هم ریختن نظم نسبی سنتی منطقه است که خود آمریکا در آن دخالت داشت.

دگرگونی‌های مراکز ثقل قدرت در جهان امروز، تصویری از آینده نزدیک را ترسیم می‌کنند که در آن ایالات متحده دیگر تنها قدرت و هژمون بدون رقیب در جهان نخواهد بود (Klieman, 2015: 71). به همین دلیل، آمریکا نیک درمی‌یابد که باید قدرت‌های دیگری را در کنار خود چه در عرصه جهانی و چه در پهنه منطقه‌ای به رسمیت بشناسد. در همین راستا، هنری کیسینجر از شکل‌گیری امپراتوری ایران در غرب آسیا سخن گفت (Horowitz, 2014)؛ یوشکا فیشر، وزیر خارجه سابق آلمان، ایران را بزرگ‌ترین برنده رقابت گسترش نفوذ در غرب آسیا دانست (Fischer, 2014)؛ فرید زکریا نیز نفوذ آمریکا در غرب آسیا را با نفوذ ایران قابل رقابت نمی‌داند (Zakaria, 2014) و پین‌هاس اینباری، از مرکز جروزالم هم از احتمال تبدیل ایران به یک ابرقدرت سخن می‌گوید (Goldman, 2014) و راشل آوراها، سردبیر «جروزالم آنلاین»، ایران را سلطان جدید خاورمیانه می‌داند (Avraham, 2013).

به همین دلیل پس از روی کار آمدن ترامپ «نگرانی از هژمونی منطقه‌ای ایران» جایگزین «تهدید هسته‌ای» شد و به‌دلیل اینکه ایران تعهدی که براساس آن، ملزم به

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۲۹

تغییر راهبرد منطقه‌ای خود شود را نپذیرفته است، تلاش غرب این است که اجرای برجام را به تحولات خاورمیانه گره بزند.

با عنایت به پیشینه پرفراز و نشیب و همیشگی سایه تحریم بر حیات سیاسی و اقتصادی کشور ما، بررسی و شناخت پدیده تحریم و نیز پیامدها و نتایج آن بسیار اهمیت می‌یابد. واضح است جدا از برداشت و نگرش توده مردم نسبت به تحریم و پیامدهای آن، فهم نگرش نخبگان فکری و اجرایی نسبت به پدیده تحریم و تأثیرات آن درخور ویژه‌نگری است. درواقع جدا از بررسی آماری و میدانی تأثیرات تحریم بر عرصه‌های اقتصاد و سیاست و کنش منطقه‌ای ایران، کنکاش و سنجش دیدگاه سرامدان جامعه کشور برای درک بیشتر ابعاد متغیر وابسته بسیار آموزنده، بایسته و راهگشاست.

ازاین‌رو در پژوهش حاضر، درصدد بررسی و تحلیل نحوه نگرش نخبگان دانشگاهی و اجرایی در مورد میزان تحقق نتایج و پیامدهای تحریم، با هدف واضعان تحریم برای مهار نفوذ و توان تعیین‌کنندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه‌ایم؛ با طرح این پرسش که مؤلفه‌های اصلی نگرش نخبگان فکری و اجرایی ایرانی درخصوص نحوه پیوند میان تحریم و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران چیست؟ درواقع می‌خواهیم بدانیم دیدگاه نخبگان دانشگاهی و دولتی درخصوص رابطه میان تحریم و حضور و نفوذ منطقه‌ای ایران چیست؟

با عنایت به اینکه پژوهش حاضر در زمره پژوهش توصیفی با پاسخ‌پیشینی اکتشافی جای می‌گیرد (یعنی به دنبال اطلاعاتی درخصوص نحوه نگرش کسان دیگریم) بنابراین مبنای نظری برای پیش‌بینی متغیرها و نحوه توزیع آن وجود ندارد و با استخراج این داده‌ها و گذشت زمان، روابط علی متغیرها تغییر می‌کند، پس برای پژوهش اکتشافی، فرضیه‌های پیشینی را برای آرای دیگران اطلاق نمی‌کنند. همان‌گونه که دانالد آری در بخش «فرضیه» کتاب خود تصریح می‌کند، تحقیقات اکتشافی، نیازی به فرضیه ندارند. درواقع؛ پیمایش‌هایی که ویژگی‌های پدیده‌ای خاص را توضیح می‌دهند، یا نگرش‌ها و عقاید گروه‌ها را تعیین می‌کنند، اغلب دنبال‌کننده کار تحقیق

بدون فرضیه‌اند. در این مرحله، داده‌های تجربی که طبق آن بتوان فرضیاتی را بیان کرد هنوز در دسترس محقق نیست. در چنین بررسی‌هایی بیان مسئله تحقیق کافی است (آری، جیکوبز و رضویه، ۱۳۸۰: ۱۲۵-۱۳۲). بنابراین در پژوهش حاضر روابط میان متغیرهایی را بررسی می‌کنیم که نظام تحریمی علیه ایران به‌عنوان متغیر مستقل و عرصه کنش منطقه‌ای ایران را به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق مطرح می‌کنند.

۳. پیشینه و چارچوب نظری پژوهش

پژوهش‌های انجام شده درباره تحریم، نه تنها در ایران بلکه در دنیا نیز بسیار انگشت‌شمارند. به‌عبارت‌دیگر، تحریم‌ها به‌عنوان یکی از ابزارهای به‌نسبت فراگیر در سیاست بین‌الملل امروز، توسط هر مرجع اعمال‌کننده‌ای به‌صورت فی‌البداهه و منحصربه‌فرد و بدون قواعد علمی و عملی درست انجام می‌شود و پیوسته در حال آزمون و خطا برای کامل‌تر و گسترده‌تر شدن ازسوی مرجع تحریم‌کننده و نیز در حال دور زدن پیوسته و یافتن مجرای فرار ازسوی مرجع تحریم‌شونده است.

با آنکه جمهوری اسلامی ایران، سال‌هاست تحت تحریم‌های چندگانه بین‌المللی قرار دارد، اما بسیار اندک با دیدی آکادمیک (نه تحلیل‌های ژورنالی و تقریرات اعلامی رسمی دولتی) به این مقوله پرداخته شده است. بررسی نحوه نگرش نخبگان فکری و اجرایی نسبت به تحریم‌ها و پیامدهای آن نیز مقوله‌ای است که تا کنون هیچ پژوهشی روی آن صورت نگرفته است و ناگزیریم برای کشف این دیدگاه‌ها، جدای از واکاوی نوشته‌ها و تقریرات ایشان، با روش مصاحبه حضوری یا پرسش‌نامه‌ای با نحوه نگرش و تحلیل نخبگان ایرانی آشنا شویم.

سازمان‌دهی دوباره یا بیان محض آنچه پیش‌تر می‌دانستیم و مکتوب است، پژوهشی اصیل نیست، بلکه تنها یک یادگیری و توزیع دانش است نه تولید آن و از خصیصه نوآوری که ذات یک پژوهش آکادمیک محسوب می‌شود خالی است. بنابراین در این پژوهش، قصد داریم تا به بررسی و سنجش میزان تحقق اهداف واضعان تحریم در

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۳۱

عرصه‌های اقتصادی و سیاسی - اجتماعی کشورمان و نیز بر عرصه نفوذ منطقه‌ای ایران از دیدگاه نخبگان فکری و ابزاری پردازیم. در واقع، در نظر داریم بخش سوم این سیستم و جعبه کارکرد تحریم، یعنی برون‌داده (Output) تحریم یا پیامدها و تأثیرات آن را از منظر و نگرش بخش دانش‌آموخته و سیاست‌ورز کشورمان بشناسیم. یعنی به میزان تطابق پیامدهای تحریم‌ها با اهداف و استراتژی‌های واضعان تحریم پردازیم. کشف نحوه نگرش و ایستارهای توده مردم و نیز کشف شیوه فهم و تحلیل نخبگان کشور نسبت به مقوله تحریم و نتایج و پیامدهای آن تا کنون رنگ هیچ پژوهشی را به خود ندیده است و پژوهش حاضر نخستین کار تحقیقی در این بستر است که بر چگونگی نگرش نخبگان فکری و اجرایی نسبت به پیامدهای تحریم با روش گردآوری اطلاعات پیمایشی با پرسش‌نامه نگرش‌سنجی و چارچوب نظری که در ذیل خواهد آمد، متمرکز شده است.

چارچوب نظری واقع‌گرایی، مبتنی بر وجود وضعیت خودسر و آناشسی در نظام بین‌الملل، سبب خودیاری (Self-Help) کشورها برای پیشینه‌سازی قدرت می‌شود که با گفت‌وگو و اقناع (دیپلماسی) یا با جنگ و تحریم (استراتژی) انجام می‌پذیرد. پیشینه‌سازی قدرت، ترس می‌آفریند و در نتیجه، سبب آشوب در یک محیط آناشیک می‌شود. این معضل، نوعی خلأ امنیتی برای دولت‌ها به وجود می‌آورد، از این رو معمای امنیت (Security Dilemma) را در صحنه روابط بین‌الملل داریم (Auten, 2008: 29-30). به فرض که ایران می‌تواند مانند پاکستان یا کره شمالی فعالیت‌های اتمی مخفیانه داشته باشد و در زمان دلخواه، با سخنرانی یک مسئول لشکری، کشورش را اتمی معرفی کند؛ اینجاست که دیگر کار از کار گذشته و این همان اصل خودیاری است. در واقع از منظر نوواقع‌گرایی، افزایش قدرت یک دولت به کاهش قدرت دولت دیگر می‌انجامد و از این منظر، معمای امنیت در یک فضای آناشیک هرج و مرج گونه است که به صحنه می‌آید (Resende-Santos, 2007: 56).

نواقع‌گرایی مبتنی بر چند انگاره بنیادین است (گریفتیس، ۱۳۹۱: ۶۱؛ میرشایمر، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۴): ۱. اولین و اصلی‌ترین هدف قدرت‌ها تضمین بقاست؛ ۲. نظام

بین‌الملل برعکس عرصه داخلی، آنارشیک (فاقد اقتدار مرکزی) است؛ ۳. دولت‌ها بالقوه برای یکدیگر خطرناک‌اند و نیت تهاجمی دارند. دولت‌ها هرگز نمی‌توانند در مورد مقاصد و نیت دولت‌های دیگر، مطمئن باشند و امکان تقلب وجود دارد پس همواره نگران تقلب کردن دیگرانند (معمای گوزن). احتمال تقلب با در نظر گرفتن تکنولوژی نظامی مدرن که می‌تواند به سرعت توازن قوا میان کشورها را تغییر دهد، بسیار بالا ارزیابی می‌شود؛ ۴. قدرت‌ها بازیگران عقلانی‌اند. آنها برای بقای خود در این محیط، رفتار مناسب را انتخاب می‌کنند و ۵. قدرت و امنیت نسبی‌اند. افزایش قدرت و امنیت یک بازیگر، منجر به کاهش قدرت و امنیت دیگری می‌شود. بازیگران در تقسیم کیک، به سهم خود نگاه نمی‌کنند، بلکه سهم خود را در مقایسه با بازیگر دیگر می‌سنجند، بنابراین هیچ‌وقت قانع و خشنود نیستند.

آنچه برای نواقع‌گرایان اهمیت دارد، دغدغه امنیت است؛ در نتیجه آنان فعالیت‌های هسته‌ای ایران و حمایت از گروه‌های اسلامی مانند حزب‌الله لبنان، تضمین منافع ملی و امنیت اسرائیل و منافع آمریکا را پیگیری می‌کنند.

عصر ترامپ، پایان صلح دموکراتیک و برتری منطق‌گرای تهاجمی بود و تحریم اقتصادی، یکی از ابزارهای نیرومند هژمونی، برای وادارسازی دولت موازنه‌گر به منظور پذیرش نظم دلخواه است. این نظام، هزینه‌های سختی برای ایران به‌ویژه پس از یازدهم سپتامبر همراه داشت که هم اقتصاد (تحریم‌های فلج‌کننده) و هم تعلیق برنامه اتمی ایران را موجب شد (هنسن، تافت و ویول، ۱۳۹۰: ۱۹).

۴. تحریم‌ها علیه ایران

هافبوئر و همکارانش، سه علت عمده برای به‌کارگیری ابزار تحریم بیان می‌کنند: الف) به کشور هدف نشان داد که طرف تحریم‌کننده اقدامات آن کشور را تقبیح می‌کند؛ ب) به کشورهای متحد نشان داد که بیان مواضع توأم با برخی اقدامات عملی است؛ ج) برای برخی محافل در خود کشور تحریم‌کننده ثابت شود که دولت متبوع‌شان برای پیگیری

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۳۳

منافع ملی آنها، اقدامات عملی هم خواهند داشت (هافبوئر، اسکات، الیوت و اوگ، ۱۳۹۲: ۱۴). کارتر نیز در همین راستا، سه دلیل را برای بهره‌گیری کشورها از ابزار تحریم می‌آورد: اول، تمایل به تأثیرگذاری و حتی تغییر در رژیم یک کشور؛ دوم، مجازات یک کشور به دلیل سیاست‌های آن کشور و سوم، نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های یک کشور و اطمینان‌بخشی به باشندگان کشور خود مبنی بر مخالفت با آن (Carter, 2009: 12).

درباره ایران نیز می‌توان سه علت را از هم تفکیک داشت: الف) هدف اعلامی غرب مبنی بر منع گسترش تسلیحاتی و محدودسازی توانایی ایران در توسعه برنامه‌های هسته‌ای و نیز مسائل حقوق بشری و حتی مبارزه با تروریسم؛ ب) براندازی و عناد با رژیم جمهوری اسلامی به عنوان سردمدار بیداری اسلامی و ج) تغییر رفتار ایران مبنی بر کنترل و محدودسازی کنش منطقه‌ای این کشور. بنابراین، تحریم‌های آمریکا علیه ایران، ترکیبی از همه این سه دلیل گفته شده است؛ یعنی واداشتن ایران به کنار گذاشتن سیاست‌های ناخوشایند برای آمریکا، مجازات ایران برای سیاست‌ها و نیز ابراز مخالفت نمادین دولت آمریکا برای جلب نظر گروه‌های طرفدار اسرائیل در این کشور (علیخانی، ۱۳۸۴: ۴۰).

بیش از چهار دهه اعمال تحریم علیه ایران، فراز و نشیب‌هایی در اهداف و علل وضع تحریم و شیوه اعمال آن را شاهدیم. در این پژوهش، با مشاهده ویژگی‌های خاص اعمال تحریم در دوره‌های مختلف، به تقسیم‌بندی نسل‌گونه تحریم‌ها می‌پردازیم که از قضا با تغییر کابینه در واشینگتن نیز هماهنگ است. در ذیل، به‌طور اجمالی به بیان روند کرونولوژیک دوره‌های تحریم، یعنی آنچه بر کشور ما روا داشته شده است، به‌مثابه مدخل ورود به بحث تحریم‌ها و تأثیرات آن اشاره خواهیم داشت. در واقع در این قسمت قصد داریم به دو بخش داده (Input) و پردازش (Process) در نظام تحریم‌ها علیه ایران بپردازیم؛ و تأثیرات یا پیامدهای تحریم یعنی برونداد (Output) را نیز در بخش یافته‌های پژوهش خواهیم آورد.

۴-۱. تحریم‌های پس از اشغال سفارت آمریکا تا پایان بوش پدر

گری سیک، مشاور وقت کاخ سفید در مورد ایران، معتقد است پس از سقوط شهر سایگون، هیچ واقعه‌ای به اندازه انقلاب ایران، آمریکا را تحت تأثیر قرار نداده بود (Sick, 1986: viii) و کشوری که به عنوان متحد بلندمدت این کشور در منطقه بود، به ناگاه در جبهه مقابل هژمون قرار گرفت و از صدور انقلاب و نابودی اسرائیل سخن می‌گفت. سه روز بعد از اشغال سفارت، دولت آمریکا تصمیم به مجازات ایران با تحریم‌های اقتصادی می‌گیرد.

پس از پایان بحران گروگان‌گیری، اما نپذیرفتن رفتار سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی و امید به ایجاد تغییر آن، سبب شد همچنان گونه‌های دیگری از تحریم‌ها اعمال شود. نگرانی آمریکا در این دهه بیشتر افزایش نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی در کشورهای خاورمیانه بود. در واقع، پیوند میان دو متغیر «تحریم» و «حضور منطقه‌ای ایران» از زمان آغاز نظریه صدور انقلاب وجود داشته و به همین دلیل از همان زمان، ایران را حامی تروریسم بین‌الملل خوانده است. تحریم‌های تجاری دهه هشتاد میلادی توسط ریگان و بوش پدر علیه ایران اعمال شدند.

۴-۲. تحریم‌های در چارچوب مهار دوگانه

برخلاف تحریم‌های پیشین که هیچ‌گاه در قالب یک قانون مصوب مجلسین آمریکا از قدرت قانونی بالاتری برخوردار نبودند، با آمدن بیل کلینتون، شکل تحریم‌های آمریکا ارتقایی کمی و کیفی یافتند. ضمن اینکه تحریم‌های جدید ویژگی فرامرزی بودن را دارند تا هم اشخاص آمریکایی ملزم به اجرا باشند و هم اشخاص غیرآمریکایی تحریم‌های مورد نظر آمریکا را رعایت کنند و در صورت عدم رعایت مشمول مجازات‌های آمریکا می‌شوند.

هم‌زمان با پیوند دوباره میان دو متغیر تحریم و کنش منطقه‌ای ایران؛ در این برهه موافقت روسیه برای تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر را شاهدیم، در نتیجه، در ۱۵ مارس

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۳۵

۱۹۹۵ نخستین مصوبه دولت کلینتون درباره تحریم ایران ابلاغ شد که در واقع، تحریم‌های فراگیری (تحریم و مهار دوگانه)، (*Dual Containment*) بر تمام فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود با ایران (ممنوعیت هرگونه تأمین مالی اشخاص آمریکایی برای توسعه طرح‌های نفتی ایران) وضع شد، اما از آنجاکه تجارت میان دو کشور هیچ‌گاه به سطوح قبل از انقلاب نرسیده بود، تأثیر این تحریم‌ها نیز بسیار محدود بود. بنابراین برای بالا بردن اثر تحریم‌ها نیاز به اهرم فشار بر کشورهای دیگر بود مانند قانون ایلسا (*Iran and Libya Sanctions Act. ILSA*)، (قانون تحریم ایران و لیبی، که در ایران به نام قانون داماتو شناخته می‌شود) که درباره تحریم هرگونه سرمایه‌گذاری‌های جدید در صنعت نفت و گاز ایران و لیبی که نقطه آغاز فرایند تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا بر ایران بود و بعدها در برجام سال ۲۰۱۵ خود را نشان دادند.

۳-۴. تحریم‌های به بهانه هسته‌ای

در ۲۴ آرمرداد ۱۳۸۱ گروه موسوم به شورای ملی مقاومت ایران /وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران / اقدام به انتشار گزارشی از دو پایگاه هسته‌ای مخفی و زیرزمینی در ایران (نطنز و اراک) کرد. «با آنکه نخستین بار، این گروه خبر فعالیت مراکز هسته‌ای ایران را به جهان مخبره می‌کرد، اما نیویورک تایمز ادعا کرد که تلاش‌های سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و اسرائیل منجر به کشف این مراکز در سال ۲۰۰۲ شده است» (*Thaler and et. al, 2010: 93*). آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، عدم پایبندی ایران به توافق را به شورای امنیت گزارش می‌کند و قطعنامه ۱۷۳۷ به تصویب رسید. آمریکایی‌ها با مشاهده ناخشنودی ایرانی‌ها از تصویب اقدامات تحریمی، به ارزشمندی مجموعه اقدامات در قالب مصوبه‌ها پی بردند؛ بنابراین در فکر طراحی مجموعه‌ای از مصوبه‌های تحریمی شورای امنیت بودند که می‌توانستند پشت سر هم بر ایران اعمال شوند و به موجب آنها محدودیت‌های مالی به شرکت‌ها و افراد وابسته به سپاه پاسداران و سازمان انرژی اتمی ایران تحمیل نمایند (*Cordesman and Al-Rodhan, 2006: 214*).

تقویت نواقح گرایي تهاجمی ازسوی هژمون آمریکا و متحدان جهانی‌اش ازجمله ابزار شورای امنیت، در قالب صدور ۶ قطعنامه شورای امنیت و نیز هشت قطعنامه تحریمی درخصوص نقض حقوق بشر ازسوی پارلمان اروپا بوده است.

در دولت اوپاما گرایش رسمی به سیاست جنگی به صفر می‌رسد، اما طرح تحریم دوجانبه زمان کلیتون پی گرفته شد و با اعمال بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها و ترکیب آن با گزینه‌هایی مانند معتبرسازی تهدید نظامی، عملیات سایبری، عملیات اطلاعاتی و مهم‌تر از همه ایجاد یک نیروی نیابتی رادیکال علیه ایران در منطقه به نام داعش، فشار قابل توجهی به ایران وارد کرد تا درنهایت، با توافق برجام برنامه هسته‌ای ایران را مهار کند.

پس از پیروزی حسن روحانی نیز، سیاست دوگانه هویج و چماق (رفع موانع تحریم، هم‌زمان با فشار تحریم) علیه ایران اجرا شد. ضرورت‌های اقتصاد سیاسی ایران و امنیت راهبردی کشورهای ۱+۵ فرایند مذاکرات هسته‌ای را به‌وجود آورد (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۷۹۱-۸۱۳) مذاکرات وین آغاز و درنهایت در پیمان هسته‌ای لوزان (۲۰۱۵) درباره میزان و سطح غنی‌سازی، جدول زمان‌بندی لغو تحریم‌ها و مدت زمان اجرایی و جزئیات به توافق جامع طرفین دست یافتند. اما آنچنان که از نامش برمی‌آمد جامع نبود؛ چراکه هم ایران خواهان برداشته شدن تحریم‌های بیشتری بود تا اقتصادش را بازسازی کند و هم آمریکا و متحدانش نیاز به شفافیت بیشتری داشتند تا تضمین‌های بیشتری در مورد صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران داشته باشند. شورای امنیت سازمان ملل نیز از برجام حمایت کرد و همه تحریم‌های مرتبط با پرونده هسته‌ای را با قطعنامه ۲۲۳۱ خود لغو کرد (UNSC Resolution 2231, 2015). اتحادیه اروپا نیز در دی ۱۳۹۴، با مفاد برجام، تمامی تحریم‌های اقتصادی و مالی مرتبط با پرونده هسته‌ای ایران را برداشت.

وندی شرمین^۱ اذعان دارد «اگر ما قرار بود کلیت رفتار ایران را اصلاح کنیم، آنگاه

۱. معاون سیاسی وزارت خارجه اوپاما و مذاکره‌کننده ارشد آمریکا در مذاکرات هسته‌ای منجر به توافق برجام در ژنو و معاون وزیر خارجه بایدن و همچنین مذاکره‌کننده ارشد بایدن در مذاکرات احیای برجام در وین اتریش.

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۳۷

برنامه هسته‌ای ایران صرفاً تبدیل به موضوعی می‌گشت که می‌شد در برابر دیگر فعالیت‌های ایران بر سرش چانه زد. بهتر است اول از تولید سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری و بعد به دیگر مسائل پرداخته شود. مخصوصاً پس از آنکه بزرگ‌ترین امتیاز چانه‌زنی ایران را از دستش درآوردیم» (شرمن، ۱۳۹۸: ۲۱۱).

همان‌گونه که عضو ارشد مرکز سیاست خاورمیانه اندیشکده بروکینگز در قالب گزارش شورای آتلانتیک می‌آورد، یکی از مهم‌ترین مشکلات برجام، محدودیت آن به برنامه هسته‌ای ایران بود. وی برای مصداق این ادعا، از اولین سخنرانی اوپاما پس از امضای برجام نقل قول می‌آورد: «من امیدوارم که براساس این توافق، بتوانیم به گفت‌وگوها با ایران ادامه دهیم و به آنها انگیزه بدهیم تا رفتار متفاوتی در منطقه داشته باشند، رفتار تهاجمی و خشونت‌طلبی کم‌تری داشته باشند و بیشتر همکاری کنند، و به‌گونه‌ای رفتار کنند که ما از همه کشورها در جامعه جهانی انتظار داریم»^۱ (Maloney, 2017).

۴-۴. تحریم‌های پسا برجام

به‌رغم فشارهای آمریکا علیه ایران در دوران اوپاما، شاهد ظهور ایران به‌عنوان یک قدرت درجه اول منطقه‌ای در چارچوب منطق نوواقع‌گرایی و سیستم تک - چندقطبی گردید و به‌رغم پندار نادرست اوپاما و تیم امنیت ملی او، برجام به مرزهای مهار نسبی برنامه هسته‌ای محدود ماند و درمقابل، پس از برجام، اراده راهبردی ایران برای توسعه برنامه موشکی و حضور و نفوذ منطقه‌ای و تلفیق آن دو شتاب بیشتری پیدا کرد.

رهیافت نوواقع‌گرایی تهاجمی ترامپ که در رقابت‌های انتخاباتی خود در قالب

۱. مطابق همین گزارش «تهران از طریق مذاکرات دقیق هسته‌ای و از زمان اجرای برجام، همان کاری را ادامه داده که از انقلاب سال ۱۹۷۹ تا کنون به‌طور مداوم انجام داده است: تلاش برای گسترش نفوذ خود در سراسر غرب آسیا» بنابراین «برای ایجاد ثبات در سه میدان نبرد اصلی منطقه، یعنی عراق، سوریه و افغانستان، باید نقش منطقه‌ای ایران را تضعیف، خنثی یا متحول کنیم». گزارشگر این متن معترف است که برعکس پندار بسیاری از افراد در واشینگتن، افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران محصول و پیامد توافق هسته‌ای نیست، بلکه پیامد دخالت نظامی آمریکا در عراق و حوادث بهار عربی است (Maloney, 2017).

شعار «اول آمریکا» (America First) به دنبال اولویت دادن به اهداف ملی و کسب انتفاع بین‌المللی، به جای ماجراجویی بین‌المللی و ایفای نقش رهبری محدود و یک‌جانبه‌گرایی افراطی است و مخالفتش را با توافق هسته‌ای برجام اعلام کرده بود، به‌منظور عمل به وعده‌های انتخاباتی‌اش درباره خروج از برجام، سرانجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ ضمن متهم کردن ایران به عدم پایبندی به توافق برجام و حمایت از حزب‌الله، طالبان، القاعده و سایر سازمان‌هایی که آنها را تروریستی نامید، به‌صورت یک‌جانبه و با استناد به مطالب بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل را نقض و رسماً از برجام که موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی با پشتوانه حمایتی دو نهاد برجسته بین‌المللی (شورای امنیت و آژانس بین‌المللی اتمی) بود خارج و بازگشت تحریم‌ها را به‌صورت گذشته اعلام کرد.

جو بایدن که تا پیش از این با انتقاد از ترامپ، مدعی چندجانبه‌گرایی و بازگشت به دیپلماسی و عدالت‌خواهی بود، باید آن را در عمل اثبات کند، اما همان‌گونه که مجید تخت‌روانچی، نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد طی توییت خود متذکر می‌شود «دولت جدید آمریکا به حمایت از چندجانبه‌گرایی وانمود می‌کند اما از رد اعتراضش در دیوان بین‌المللی دادگستری (مبنی بر عدم صلاحیت دیوان) در پرونده تحریم‌های ایران ابراز ناامیدی دارد» (Takht Ravanchi, 2021).

چالش پیش روی گروه ۵+۱، تدوین یک بسته پیشنهادی انگیزه‌ساز بود تا از نظر قانونی و فنی، اجرایی و قابل پذیرش طرفین باشد، یعنی هم واضعان تحریم را به هدف اعلامی‌شان برساند و هم بتواند نگرانی‌ها و نیازهای بقا و رشد اقتصادی ایران را برطرف سازد. اما هژمون بین‌الملل آمریکا خواستار تغییر در کنش منطقه‌ای و برنامه‌های دفاعی ایران شده است.

۵. روش‌شناسی پژوهش

بر مبنای هدف پژوهش، نوع پژوهش حاضر «تحقیق ارزیابی» (Evaluation Research) و

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۳۹

برحسب روش نیز پژوهش فراروی را باید از نوع «تحقیق پیمایشی یا زمینه‌یابی» (Survey Research) قلمداد کرد. در نتیجه، پژوهشی اکتشافی (Exploration) است و از آنجا که واحد تحلیل پژوهش سطح خرد و فرد نخبه است، بنابراین در روش و تکنیک گردآوری داده‌های این پژوهش از «روش پیمایشی» بهره گرفتیم. پژوهش‌های نگرش‌سنجی، افکارسنجی و نظرسنجی از جمله پیمایش‌های توصیفی قلمداد می‌شوند چراکه این روش به‌منظور توصیف یک جامعه آماری (نخبگان دانشگاهی و اجرایی) در زمینه یک پدیده معین (عرصه‌های تأثیر تحریم) انجام می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش یعنی نخبگان، باید صاحب‌نظر و صاحب‌کنش بسنده در مسئله پژوهش (عرصه‌هایی که تحریم بر آنجا تأثیر می‌گذارد) باشند؛ مانند حوزه‌های روابط بین‌الملل، مسائل اقتصادی، مسائل جامعه‌شناسی سیاسی و امنیتی. پس آن «صفت مشخصه مشترک و قابل تمیز از دیگر جوامع» همانا صاحب‌نظری و صاحب‌کنشی در بسترهای تأثیرگذاری تحریم‌اند. در نتیجه، ترکیب‌های جمعیتی و توزیع جنسیتی و قومی و دیگر مشخصه‌های جامعه آماری مطرح در علوم انسانی در نظر گرفته نشده‌اند. منظور ما از نخبگان در این پژوهش، نه سرامدان هر طبقه و تخصص، که نخبگان سیاسی (Political Elite) یعنی متخصصان و کوشندگان حوزه پژوهش و به عبارتی عرصه‌های تأثیر تحریم (عرصه اقتصاد، عرصه جامعه‌شناسی سیاسی و نیز عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل) است. همچنین، منظور ما از نخبگان ابزاری و اجرایی نیز سیاست‌ورزان خارج از مجموعه سیاست رسمی و عملی ایران، چه آنهایی که در جایگاه اپوزیسیون داخل و خارج‌اند و چه کسانی که در بیرون از مجموعه رسمی سیاسی ایران به کنشگری مشغول‌اند نیست، بلکه نخبگانی است که پیشه سیاست چه هم‌اینک و چه پیش از این دارند.

تعیین حجم نمونه جامعه آماری، براساس نظر پژوهشگر و با در نظر گرفتن عواملی چون بودجه و زمان انجام؛ جامعه در دسترس از میان نخبگان دانشگاهی و خاصه شاغلان سمت‌های اجرایی، امکانات و امثال آن درصدی از جامعه را به‌عنوان

نمونه آماری پژوهش (شمار یک صد نخبه؛ پنجاه نخبه آکادمیک و پنجاه نخبه اجرایی) انتخاب شدند.^۱ نخبگان آکادمیک را از میان اساتید دانشگاه‌های کشور در رشته‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و گرایش‌های آن، جامعه‌شناسی سیاسی و گرایش‌های مختلف رشته اقتصاد برگزیده‌ایم. همچنین نخبگان اجرایی را نیز از میان مسئولان وزارت خارجه و نیز نمایندگان مجلس مرتبط با عرصه روابط بین‌الملل و اقتصاد انتخاب کرده‌ایم.^۲

رایج‌ترین و پرکاربردترین روش برای گردآوری داده در نگرش‌سنجی، ابزار «پرسش‌نامه» (Questionnaire) است. فرم پرسش‌نامه باید براساس اهداف (توجه به سؤالات و متغیرهای فرضیات پژوهش) تنظیم شوند. اجرای پیمایش پرسش‌نامه‌ای مستلزم مراقبت‌هایی بود که در پژوهش حاضر تلاش کرده‌ایم تا نهایت احتیاط لازم در تدوین مقوله‌ها و گویه‌ها و سپس طراحی سؤالات فرم پرسش‌نامه در دو فرمت پرسش‌نامه کاغذی و اینترنتی (ایمیلی و مبتنی بر وب)، تدوین‌نامه درخواست (Cover Letter) و متن دستورالعمل (Instruction) چگونگی تکمیل پرسش‌ها و نیز افزایش نرخ پاسخ‌دهی (Response Rate) داشته باشیم.

جدول ۱. نتیجه مشارکت جامعه آماری

تعداد پاسخ‌های دریافت شده	تعداد کل فرم ارسال شده	جامعه آماری
۴۵	۵۰	نخبگان دانشگاهی
۳۷	۵۰	نخبگان اجرایی
۸۲	۱۰۰	جمع کل

برای سنجش ملموس و قابل اندازه‌گیری متغیرهای این پژوهش (Operational Definition) باید مفاهیم انتزاعی پژوهش را به متغیرهای قابل سنجش و اندازه‌گیری تبدیل

۱. به همین روی از روش‌هایی چون جدول نمونه‌گیری مورگان و فرمول کوکران استفاده نشد.
 ۲. فهرست اسامی کامل جامعه آماری این پژوهش در بخش پیوست‌ها خواهد آمد.

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۴۱

کنیم. یعنی طی فرایند شاخص‌گذاری، متغیرها را به شاخص‌های آن تفکیک کرده، سپس گویه‌های قابل سنجش را می‌آوریم که در قالب سؤالات پرسش‌نامه تدوین خواهند شد. شاخص‌های متغیر وابسته حضور و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا عبارت‌اند از: نقش تهاجم آمریکا به منطقه، بازی دیگر رقبای ایران در منطقه از جمله رژیم صهیونیستی و عربستان، تحولاتی چون بهار عربی و وجود داعش و نیز ریشه‌های فرهنگی قدرت نرم همچون روح حکمرانی جهانی - ایرانی، ایدئولوژی شیعی، قرابت فرهنگی و مذهبی و نیز آشنایی و دسترسی به منطقه و تنوع قومی - مذهبی، میزان حمایت‌های مالی، توان تعیین مسئولان سیاسی - اجرایی و تقنینی و قضایی، توان تعیین مدیران سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشورها، میزان معاملات و انتفاع تجاری و مالی، میزان حمایت از نیروهای نیابتی و شبه‌نظامی، تصویرسازی از ایران در افکار عمومی، بهره‌برداری از ظرفیت هواداران انسانی، میزان نفوذ در شبکه‌های اجتماعی و سطح مخاطب و کیفیت تولیدات رسانه‌های ارتباط جمعی، توان تغییر رویه‌های حقوقی و بودجه‌ای و سیاست‌های مقطعی، میزان سهم‌دهی به نیروهای رقیب سیاسی، توان ایجاد بحران‌های اجتماعی و امنیتی مقطعی و نیز توان خاتمه‌بخشی به بحران‌های اجتماعی و امنیتی، توان تشکیل شبکه‌های فراملی از گروه‌های هم‌گرا.

گویه‌های شاخص نفوذ منطقه‌ای ایران به‌رغم تحریم عبارت‌اند از:

- به‌رغم تحریم همه‌جانبه علیه ایران، روند افزایشی بسط نفوذ ایران را در منطقه غرب آسیا شاهدیم.
- تحریم‌ها علیه ایران تأثیری در تغییر کنش منطقه‌ای ایران نداشته است.
- تحریم‌ها تأثیری در تغییر رویکرد ایران در حمایت از گروه‌های اسلامی در عراق و لبنان و یمن و ... نداشته است.
- تحریم‌ها سبب تغییر رویکرد سیاست خارجی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی نشده است.
- قدرت نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا به‌مراتب بیشتر از سطح نفوذ رقبای منطقه‌ای (مانند عربستان و ترکیه) و حتی آمریکا است.

گویه‌های شاخص بایسته‌های منطق رئالیزم عبارت‌اند از:

- الزامات و بایسته‌های کنش منطقه‌ای ایران را می‌توان در چارچوب رئالیزم حاکم بر خاورمیانه (اصل بقا، بازدارندگی و بی‌اعتمادی به غرب) ارزیابی کرد.
 - دست شستن از کامیابی‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی در خاورمیانه، به بهانه تنش‌زدایی، با منطق واقع‌گرایانه هم‌خوان نیست؛ به همین دلیل جمهوری اسلامی نباید هیچ مذاکره‌ای فراتر از برجام را بپذیرد.
 - حضور منطقه‌ای ایران تنها برای تأمین امنیت خود یا راهبرد صدور انقلاب است و تأمین منافع اقتصادی جزء اهداف و برنامه‌های اجرایی سیاست خارجی کشور نبوده و از مزیت‌هایی چون قرابت جغرافیایی و فرهنگی و آشنایی منطقه‌ای خود بهره‌ای برای تأمین منافع اقتصادی خود نبرده است.
 - ایران باید هرچه زودتر دکترین میزان و سطح حضور منطقه‌ای خود را منطبق با منافع و آرمان‌های خویش تدوین کند.
- گویه‌های شاخص تحریم‌های پسا برجامی عبارتند از:
- غرب به‌ویژه آمریکا تلاش دارند تا با منزوی کردن ایران و محدودسازی مبادلات تجاری - مالی و تنگناهای اقتصادی، مانع از آنچه آنان حمایت ایران از تروریسم در خاورمیانه می‌دانند شوند.
 - پس از روی کار آمدن ترامپ و با بسط نفوذ منطقه‌ای ایران، نگرانی غرب از «هژمونی منطقه‌ای» آن، جایگزین «تهدید هسته‌ای» این کشور شده است.
 - علت خروج آمریکا از برجام و عدم اجرای کامل برجام توسط جهان غرب، این است که آنها قصد دارند حضور منطقه‌ای ایران را کنترل کنند.
 - همچنانکه رابرت هانتز - سفیر پیشین آمریکا در ناتو - معتقد است، تحریم‌کنندگان در نهایت، امنیت مشروع ایران در غرب آسیا و کار در حوزه‌های منافع مشترک با این کشور را می‌پذیرند.
- از آنجاکه متغیرهای کیفی به‌خودی‌خود قابل اندازه‌گیری نیستند، نگرش‌سنجی باید

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۴۳

با ابزار مقیاس‌های نگرش صورت پذیرد. هنر پرسش‌نامه هم در این است که مفاهیم انتزاعی و ذهنی نرم را به شاخص‌های کمی و قابل اندازه‌گیری تبدیل کند. به همین دلیل، در پژوهش‌های پیمایشی زمینه‌یابی، که داده‌ها با مراجعه به افراد (پاسخ‌گویان) جمع‌آوری می‌شوند، باید از مقیاس‌ها بهره گرفت که با توجه به نوع متغیر پژوهش می‌تواند متفاوت باشد. مقیاس‌بندی، اصلی‌ترین روش برای سنجش نگرش‌هاست و در میان شکل‌های مختلف مقیاس‌بندی، مقیاس درجه‌بندی لیکرت محبوب‌ترین است. بنابراین معمولاً پرسش‌نامه‌های نگرش‌سنجی در طیف ۵ یا ۷ تایی لیکرت طراحی و به کار گرفته می‌شوند که ما در این پژوهش، درجه‌بندی طیف پنج تایی لیکرت (کاملاً موافقم/ موافقم/ نه موافق، نه مخالف/ موافق نیستم/ اصلاً موافق نیستم) را برای مقیاس‌بندی برگزیده‌ایم.

۶. روایی و پایایی گویه‌ها^۱

برای تعیین علمی و قابل استناد بودن نگرش نخبگان نسبت به تأثیرات تحریم، باید از درست بودن ابزار (پرسش‌نامه) اطمینان حاصل کنیم به‌ویژه که بررسی روایی (Validity) و پایایی (Reliability) برای پرسش‌نامه محقق‌ساخته (Researcher-made Questionnaire) بسیار ضروری است. در غیر این صورت نتایج به‌دست آمده در تحلیل نهایی خدشه‌دار خواهد بود و نمی‌توان ادعای سنجش آنچه دنبال می‌کنیم (سنجش نگرش) داشته باشیم. بنابراین پیش از ورود و دخول به تحلیل آماری داده‌های به‌دست آمده از نظرسنجی و تحلیل آماری داده‌ها و حتی تحلیل نظری متغیرها، باید ابزار پژوهش یعنی پرسش‌نامه را به‌منظور تعیین اعتبار سازه مورد تحلیل تأییدی قرار دهیم.

۱. مقاله حاضر بخشی از یک پژوهش دانشگاهی در مقطع دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد که به بررسی و سنجش نگرش شمار یکصد نفر از نخبگان دانشگاهی و اجرایی کشور در سه حوزه اقتصاد، جامعه سیاسی، و همچنین عرصه حضور منطقه‌ای ایران می‌پردازد. روش گردآوری داده‌های نگرش‌سنجی نیز ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته، به تعداد ۳۵ گویه بوده است. بنابراین خروجی نرم‌افزارهای SPSS24 و Smart PLS3 و تحلیل‌های آماری این پژوهش از جمله بررسی روایی و پایایی مورد نیاز، با توجه به همین شمار جامعه آماری و تعداد گویه‌ها لحاظ و محاسبه شده است. مقاله حاضر اما به ارائه گزارش عرصه سوم این نگرش‌سنجی (یعنی نفوذ و حضور منطقه‌ای ایران) می‌پردازد و تحلیل‌های آمده، بخشی از پژوهش یاد شده هستند.

همچنین؛ با بهره‌گیری از امکاناتی که پرسش‌نامه مبتنی بر وب (امکانات وردپرس) در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد، فرم پرسش‌نامه به گونه‌ای طراحی شده است که الزاماً سؤالی بی‌پاسخ نماند و امکان رفتن به پرسش بعدی بدون پاسخ به سؤال صفحه امکان‌پذیر نباشد؛ به این ترتیب امکان افزایش کاذب آلفای کرونباخ (*Cronbach's Alpha*) صفر شد. همچنین از آنجاکه ضریب پایایی به واریانس اندازه‌گیری وابسته است، ناهمگون بودن پاسخ‌دهندگان سبب افزایش آلفای کرونباخ می‌شود که در این پژوهش همه افراد جامعه آماری جزء نخبگان دانشگاهی و اجرایی با تحصیلات تقریباً هم‌سطح و دارای پیشینه پژوهی یا پیشه‌ای در عرصه سیاست و اقتصاد سیاسی‌اند.

از آنجا که شاخص آلفای کرونباخ بسیار سختگیرانه است، برای بررسی هم‌سانی درونی مدل اندازه‌گیری در روش *PLS* از معیار مدرن‌تری به نام پایایی ترکیبی (*CR*) بهره گرفتیم که در فرمول زیر قابل محاسبه است:

$$CR = \frac{2(\text{سازه یک شاخص‌های کلیه عاملی بارهای جمع})}{\text{فرمول ۱: پایایی ترکیبی} + 2(\text{سازه یک شاخص‌های کلیه عاملی بارهای جمع}) + (\text{سازه شاخص‌های کلیه خطای واریانس جمع})}$$

مقدار مطلوب *CR* در تحقیقات اکتشافی بین ۰/۶ تا ۰/۷ است، در حالی که در تحقیقات پیشرفته‌تر، بین ۰/۷ تا ۰/۹ است. نتایج این دو معیار در جدول ذیل آمده است:

جدول ۲. نتایج ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی

سازه‌های پژوهش	ضریب آلفای کرونباخ ($Alpha > 0/7$)	ضریب پایایی ترکیبی ($CR > 0/7$)
تأثیر تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران	۰/۹۲۲	۰/۹۳۳

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، نتایج ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها آورده شده است که با توجه به حدود گفته شده برای هر دو معیار، با قاطعیت نتیجه می‌گیریم مقدار ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای تمامی سازه‌های پژوهش قابل قبول است. در راستای آزمون همگن بودن و معناداری بارهای

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۴۵

عاملی نیز ارتباط یا عدم ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته با هم بررسی می‌شوند.

جدول ۳. بارهای عاملی استاندارد شده و ضرایب معناداری گویه‌ها

متغیر	گویه‌ها (شماره سؤالات)	مقدار بار عاملی	مقدار آماره تی
تأثیر تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران	q23	۰/۷۴۷	۹/۵۲۵
	q24	۰/۷۰۹	۹/۰۱۶
	q25	۰/۷۴۱	۱۰/۷۶۸
	q26	۰/۷۹۵	۱۱/۸۹۱
	q27	۰/۸۱۷	۱۷/۰۹۴
	q28	۰/۶۳۱	۷/۳۵۵
	q29	۰/۶۹۹	۹/۹۲۳
	q30	۰/۷۳۲	۹/۲۲۹
	q31	۰/۷۷۹	۱۳/۳۴۷
	q32	۰/۶۴۰	۷/۵۵۱
	q33	۰/۶۸۰	۸/۸۱۸
	q34	۰/۶۴۳	۷/۰۶۷
	q35	۰/۷۳۱	۱۰/۲۲۴

همان‌طور که از جدول بالا می‌توان دریافت، مقادیر بارهای عاملی و ضرایب معناداری کلیه گویه‌ها به ترتیب از ۰/۴ و ۱/۹۶ بیشتر محاسبه شده است. بنابراین استنباط می‌شود روایی هم‌گرا متغیرهای مدل تأیید شده است. نتیجه آنکه تمامی معیارهای آلفای کرونباخ، معناداری بارهای عاملی بین سؤالات و متغیرهای مکنون، ضریب پایایی ترکیبی، شاخص متوسط واریانس استخراج شده (Average Variance Extracted. AVE) و روایی واگرا به روش فورنل و لارکر؛ مناسب بودن مدل اندازه‌گیری یعنی ابزار پرسش‌نامه پژوهش ما را نشان می‌دهند. بنابراین

پرسش‌نامه‌ای که برای سنجش نگرش نخبگان طراحی و برای پاسخ‌گویی در اختیارشان گذاشته شده است، براساس نتایج حاصل طی آزمون‌های آماری نام برده، دقیقاً همان چیزی را می‌سنجد که مدنظر ما در این تحقیق بوده است.

۷. توصیف آماری متغیرهای پژوهش

داده‌های تحقیق حاضر مقیاس فاصله‌ای (براساس طیف پنج‌تایی لیکرت) دارند. برای توصیف متغیرهای پژوهش از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده می‌شود. جدول زیر شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد:

جدول ۴. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	تعداد گویه	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
تأثیر تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران	۱۳	۲/۹۱	۰/۴۱۰	۱/۹۲	۴/۰۰

۸. تحلیل آماری استنباطی (آزمون فرضیه‌ها)

به‌منظور آزمون فرضیه‌ها، در تحلیل آماری استنباطی، ما در طرح پژوهشی خود از آزمون نرمالیتی داده‌ها^۱، آزمون ضریب هم‌بستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی استفاده کرده‌ایم که به مورد نخست آن در این مقاله اشاره می‌کنیم. برای بررسی نرمال بودن از ضریب چولگی (*Skewness*) و ضریب کشیدگی (*Kurtosis*) استفاده می‌شود.

۱. قدر مطلق ضریب چولگی و کشیدگی بزرگ‌تر از ۲ تخطی از نرمال بودن داده‌ها را نشان می‌دهد. همچنین اگر مقدار خطای استاندارد ضریب چولگی و ضریب کشیدگی کوچک‌تر از ۲ و یا بزرگ‌تر از ۲+ باشد، در آن صورت فرض نرمال بودن توزیع رد می‌شود.

جدول ۵. نتایج نرمال بودن متغیرهای موجود در پژوهش

نتیجه آزمون	ضریب کشیدگی		ضریب چولگی		متغیرها
	خطای استاندارد	مقدار آماره	خطای استاندارد	مقدار آماره	
نرمال است	۰/۵۲۶	۰/۹۹۳	۰/۲۶۶	-۰/۴۶۶	تأثیر تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران

همان‌طور که در جدول بالا مشخص است، ضریب چولگی و کشیدگی متغیر مورد مطالعه در بازه (+۲ و -۲) قرار دارد و همچنین مقدار خطای استاندارد ضریب چولگی و کشیدگی در بازه (+۲ و -۲) قرار گرفته و نشان از نرمال بودن داده‌هاست. همچنین طبق قضیه حد مرکزی که ادعا می‌کند اگر حجم نمونه آماری بالا رود (بالای ۳۰ نفر) توزیع داده‌های آن متغیر به توزیع نرمال نزدیک‌تر خواهد شد، بنابراین می‌توان گفت که توزیع داده‌های تمامی متغیرها، نرمال است.

۹. تأثیر تحریم بر نفوذ منطقه‌ای ایران

در بخش یافته‌های پژوهش، به پیوند میان دو متغیر «تحریم» از یک‌سو، و متغیر «عرصه حضور منطقه‌ای ایران» از سوی دیگر خواهیم پرداخت. مؤلفه‌ها و گویه‌های عرصه کنش منطقه‌ای ایران را جداگانه می‌آوریم، سپس هر کدام را در دو بخش مجزا بررسی می‌کنیم. نخست داده‌های به‌دست آمده از روش پیمایش را تحلیل آماری خواهیم کرد؛ سپس به تحلیل نظری و واقع‌گرایانه آن گویه با عنایت به نگرش غالب جامعه آماری پژوهش (نخبگان) می‌پردازیم تا ابعاد مقوله با داده‌های اسنادی برای ما روشن شود.

۹-۱. گویه: نفوذ منطقه‌ای ایران به‌رغم تحریم

به اعتراف و اقرار اندیشمند ارشد اندیشکده آمریکایی رتد، رهبران ایران، سیاست‌های

منطقه‌ای تهاجمی را در پاسخ به فشارهای حداکثری و تحریمی ایالات متحده که صادرات نفت ایران را به شدت محدود کرده است، برگزیده‌اند (Kaye, 2019). ایران توانست با همکاری روس‌ها از سقوط اسد در سوریه جلوگیری کند، در عراق شیعیان طرفدار جمهوری اسلامی دست بالای قدرت را داشته و همکاری تنگاتنگی با کردها داشته باشند؛ صنعا توسط حوثی‌ها تصرف و حکومت منصور عبدربه با فرار به عربستان ساقط شد. مسلم است که تحریم یا لغو آن با برجام یا بازگشت دوباره تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، تأثیری در ایجاد یا رشد یا حتی احتمال کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران نداشته و ندارد. مداخله فزاینده و البته پرهزینه ایران در خاورمیانه، یکی از پیامدهای برهم ریختن نظم نسبی سنتی منطقه است که خود آمریکا در آن دخالت داشت.

تقسیمات فرقه‌ای و مداخله قدرت‌های خارجی در منطقه خاورمیانه، باعث افزایش نفوذ و قدرت ایران در منطقه شده است. به اعتقاد ستون‌نویس نشریه *نشنال اینترست*، قطعاً ایران بزرگ‌ترین برنده آشوب در خاورمیانه است. رقبای اصلی ایران از جمله عربستان، اسرائیل و آمریکا ناخواسته سبب تقویت گروه‌های شیعه طرفدار ایران و در نتیجه افزایش قدرت و نفوذ ایران شده‌اند (Miller, 2017). پس بنابر آنچه در بالا آمد، بخش زیادی از نفوذ منطقه‌ای ایران ناشی از کنش دیگر بازیگران است. حمله آمریکا به افغانستان و عراق سبب حضور و نفوذ ایران در این کشور شد؛ حمله رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان سبب نفوذ بالای حزب‌الله در این کشور و نتیجتاً حضور پر قدرت ایران در این کشور شد؛ جنگ فرامنطقه‌ای و نیابتی در سوریه نیز سبب حضور مشروع ایران در این کشور و عراق است و حمله ائتلاف سعودی به یمن نیز نفوذ معنوی ایران در میان یمنی‌ها را بسط داد.

به باور پژوهشگر، ریشه‌های قدرت نرم و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا را می‌توان به دو دسته مؤلفه تفکیک کرد: علل مرتبط با تحولات منطقه‌ای که به حضور اولیه ایران پیش از بهم زدن نظم سنتی منطقه توسط یورش آمریکا؛ حضور پس از حمله مستقیم آمریکا به منطقه؛ کنش دیگر بازیگران منطقه‌ای؛ و تحولاتی چون پیدایش بهار

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۴۹

عربی و داعش می‌پردازد. دسته دیگر ریشه‌های نفوذ منطقه‌ای ایران نیز به قدرت نرم آن مرتبط است یعنی قرابت فرهنگی و مذهبی و وجود تنوع قومی - مذهبی؛ ایدئولوژی ظلم‌ستیزی و عدالت‌محوری شیعی و همچنین روح حکمرانی جهانی - ایرانی. همچنین تشدید ایران‌هراسی و خطر بزرگ‌نمایی سیطره منطقه‌ای آن به‌مثابه بزرگ‌ترین تهدید قدرت نرم ایران بررسی خواهد شد (تقی‌نژاد، ۱۳۹۸).

تحلیل آماری نگرش نخبگان: به‌منظور بررسی وضعیت متغیرهای موجود (تحریم، حضور منطقه‌ای ایران؛ و نیز بایسته‌های واقع‌گرایانه و تحریم‌های پسابرجامی) از آزمون معتبر و علمی T تک‌نمونه‌ای مستقل استفاده خواهیم کرد. این آزمون را زمانی به‌کار می‌بریم که قصد داشته باشیم میانگین یک جامعه را با یک میانگین مفروض و نظری مقایسه کنیم.^۱ به لحاظ آماری به بررسی وضعیت تأثیر تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران و مؤلفه‌هایش می‌پردازیم:

$$\begin{cases} H_0 & \mu \leq 3 \\ H_1 & \mu > 3 \end{cases}$$

جدول ۶. شناسایی وضعیت تأثیرگذاری تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

متغیر	میانگین مقدار تی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	درصدی اختلاف میانگین	بازه اطمینان ۹۵	نتیجه	
					حد پایین	حد بالا	
تأثیر تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران	۲/۹۱۵	۱/۸۸۵	۰/۰۶۳	-۰/۰۸۵	-۰/۱۷۵	۰/۰۰۵	عدم تأیید

۱. اگر میانگین نمرات افراد در مورد هرکدام از متغیرها از مقدار عددی ۳ (حد وسط طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای) بیشتر باشد، نتیجه خواهیم گرفت که وضعیت آن متغیر در حد بالای متوسط است و اگر میانگین نمرات افراد در مورد هرکدام از متغیرها از مقدار عددی ۳ کم‌تر باشد یعنی اینکه وضعیت آن متغیر در حد پایین متوسط قرار دارد. همچنین اگر دقیقاً میانگین متغیرها با عدد ۳ برابر باشد، نشان از وضعیت متوسط آن متغیر می‌دهد.

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌کنیم، سطح معناداری آزمون درخصوص اثرگذاری تحریم بر متغیر حضور منطقه‌ای ایران، با مقدار آماره تی $1/885$ - برابر $0/063$ و بیشتر از سطح خطای ۵ درصد محاسبه شده است. به همین دلیل می‌توان استنباط کرد فرض صفر آزمون T تک‌نمونه‌ای مستقل پذیرفته شده و فرض مقابل آزمون مبنی بر مخالف بودن میانگین اثرگذاری تحریم بر مؤلفه حضور منطقه‌ای ایران با عدد ۳ (حد وسط طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای) رد می‌شود. در واقع رابطه معناداری در تأثیرگذاری تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران وجود ندارد؛ یعنی در نگرش نخبگان، تحریم‌ها، موجد کنش و نفوذ منطقه‌ای ایران نیست.

از آنجاکه میانگین اثرگذاری تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران، برابر $2/915$ و کم‌تر از ۳ گزارش شده و نیز حدود بالا و پایین اختلاف میانگین اثرگذاری تحریم (به‌عنوان متغیر مستقل) بر حضور منطقه‌ای ایران (به‌عنوان متغیر وابسته) با میانگین مورد انتظار ۳ شامل بازه صفر است، در نتیجه می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که متغیر «تحریم» بر متغیر «حضور منطقه‌ای ایران» تأثیری نگذاشته است.

۹-۲. گویه: بایسته‌های منطق رئالیزم

همان‌گونه که در بخش چارچوب نظری آمده است؛ از نظر نواقع‌گرایان، این ساختار نظام بین‌الملل است که کنش‌های یک دولت را شکل می‌دهد و رفتارهایی را بر آن تحمیل می‌کند. پایه‌های نظم سنتی در منطقه غرب آسیا از هم پاشیده و نوعی آناارشی در آن گسترش یافته است؛ باین‌حال واحدهای سیاسی همچنان حفظ بقای خود در قالب نظم سایکس - پیکویی را خواستارند. در همین راستا، می‌توان بازی منطقه‌ای ایران را در چارچوب سیاست‌های واقع‌گرایانه حاکم بر خاورمیانه و در راستای اصل بقا، بازدارندگی و بی‌اعتمادی به غرب ارزیابی کرد. به‌عبارت‌دیگر؛ الزامات و بایسته‌های حضور منطقه‌ای ایران را باید در چارچوب ساختار نظام بین‌الملل و اقتضائات نواقع‌گرایانه حاکم بر منطقه غرب آسیا جست‌وجو و توجیه کرد. هدف اصلی راهبرد بازدارندگی و دفاع تهاجمی ایران، قبول

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۵۱

نقش جمهوری اسلامی از سوی آمریکا و بازی برد - برد در معادلات امنیتی منطقه و سوق دادن سیاست دفاعی ایران به سمت رفع چالش‌ها بوده است.

آمریکا هم‌اینک تلاش دارد تا توافقی نوین با ایران امضا کند تا حضور و نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود و مشروط کند؛ اما دست شستن از کامیابی‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی به بهانه تنش‌زدایی و در شرایطی که ضمانت تنبیهی کافی برای رژیم‌ها که به شرایط تحریمی خو گرفته است، با منطبق واقع‌گرایانه هم‌خوان نیست؛ به همین دلیل جمهوری اسلامی به هیچ مذاکره‌ای فراتر از برجام تن نخواهد داد.

بنابر گزارش مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷)، ریشه‌ای‌ترین علت وضعیت ناپایدار کنونی ایران را باید در وجود تناقض‌هایی جدی در پارادایم امت - ملت جست‌وجو کرد که نظام حکمرانی مبتنی بر آن است. ایران باید علاوه بر علل ایدئولوژیک، از فرصت حضور و نفوذ منطقه‌ای خود بهره‌برداری‌های منفعت‌محورانه نیز داشته باشد و با استفاده از مزیت‌هایی چون قرابت جغرافیایی، تعیین مناطق آزاد تجاری در شهرهای مرزی، آشنایی منطقه‌ای و تاریخی و روابط نزدیک مردمی، منافع اقتصادی خود را در غرب آسیا تأمین کند و برتری تجاری نسبت به بازیگران فرامنطقه‌ای داشته باشد.

تحلیل آماری نگرش نخبگان: بررسی تأثیر بایسته‌های منطق رئالیزم بر حضور منطقه‌ای ایران با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در *SmartPLS3*.

جدول ۷. نتایج تحلیل تأثیر بایسته‌های منطق رئالیزم بر حضور منطقه‌ای ایران

رابطه بین متغیرها	ضریب مسیر	عدد معناداری (آماره تی)	جهت رابطه	نتیجه
منطق رئالیزم \Rightarrow حضور منطقه‌ای ایران	۰/۸۵۸	۲۴/۷۸۴	مثبت و مستقیم	تأیید

بنا به خروجی نرم‌افزار *SmartPLS3* و با توجه به جدول بالا، می‌توان نتیجه

گرفت که چون مقدار آماره t محاسبه شده برابر با $۲۴/۷۸۴$ و بیشتر از $۱/۹۶$ است، اثر بایسته‌های واقع‌گرایانه بر حضور منطقه‌ای ایران با ضریب مسیر (Beta coefficient) (ضریب بتا) $۰/۸۵۸$ و با احتمال ۹۵ درصد معنادار است. ضریب مسیر (بتا) مثبت بین متغیرها $۰/۸۵۸$ به این مفهوم است که با افزایش یک انحراف استاندارد منطق رئالیزم، حضور منطقه‌ای ایران به اندازه $۰/۸۵۸$ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. بنابراین با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده می‌توان اظهار کرد با توجه به داده‌های گردآوری شده، تأثیر بایسته‌های منطق رئالیزم بر حضور منطقه‌ای ایران تأیید می‌شود.

۹-۳. گویه: تحریم‌های پسابرجامی

موازنه ایران با هژمون آمریکا و متحدان نیابتی منطقه‌ای آن در تحولات منطقه‌ای^۱ از جمله مواردی است که پس از یازدهم سپتامبر درباره سیاست خارجی ایران دیده می‌شوند. به باور واضعان تحریم؛ «ایران لجاجت زیادی را در مقابله با تلاش‌های ما برای پرداختن به دخالت‌های منطقه‌ای را دارد، حتی اگر تحریم‌های ما می‌توانست در این زمینه اعمال شود ایران به‌شدت با این‌گونه دخالت‌ها مخالفت می‌کند. آمریکا در ۱۹۸۴ دولت ایران را دولت مدافع و حامی تروریسم تلقی کرد و تحریم‌های جامع آمریکا در ۱۹۹۵ در پاسخ به حمایت ایران از حملات تروریستی در نقاط مختلف جهان تصویب شد» (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۱۵).

رقابت نیابتی ایران با ساختار هژمونیک را می‌توان ناشی از جدال موقعیت تک - چندقطبی نظریه نواقع‌گرایی هانتینگتون و استفان والت تحلیل کرد (هنسن، تافت و ویول، ۱۳۹۰: ۲۱) که به تحلیل رویدادهای پس از فروپاشی شوروی و قدرت فرادست یافتن یکی از ابرقدرت‌ها و تبدیل شدن به قدرت هژمونیک می‌پردازد.

۱. از قبیل مخالفت آشکار با صلح اعراب - اسرائیل و تجهیز گروه‌های فلسطینی (موازنه سخت نیابتی)، جنگ لفظی دیپلماتیک با آمریکا (موازنه نرم)، بحران افغانستان (۲۰۰۱)، جنگ عراق و مخالفت دیپلماتیک (۲۰۰۳) موازنه نرم)، مانورهای نظامی (۲۰۰۵ به بعد)، بحران سوریه (۲۰۱۱ به بعد)، بحران عراق (داعش ۲۰۱۴)، افزایش رقابت‌های فرقه‌گرایانه با ترکیه و عربستان، رقابت عربستان در لبنان (تجهیز گروه‌های مسلح لبنانی).

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۵۳

سفیر پیشین آمریکا در ناتو، رابرت هانتز، پنج احتمال در رابطه با شیوه رفتار با ایران مدنظر دارد: ۱. عقب‌نشینی ایران، ۲. کار کردن تحریم‌ها، ۳. تغییر سیاست به سمت تغییر رژیم، ۴. مهار و بازدارندگی و ۵. اقدام نظامی. وی سه احتمال نخست را محتمل نمی‌داند؛ مهار و اقدام نظامی را هم دارای هزینه بسیار بالا برای آمریکا می‌داند؛ پس باید به فکر راه‌حل ششم بود که پیامد آن به رسمیت شناختن امنیت مشروع ایران و کار در حوزه‌های منافع مشترک با این کشور است (Hunter, 2010). به عبارت دیگر، ایران توانست با بهره‌گیری از راهبرد امنیت به هم پیوسته در محیط آنارشیک و امنیت منطقه‌ای خود، به دو هدف مهم واداشتن آمریکا به قبول نقش محوری ایران و حرکت به سمت معامله برد - برد در معادله امنیت غرب آسیا نائل شود.

تحلیل آماری نگرش نخبگان: بررسی تأثیر حضور منطقه‌ای ایران بر تحریم‌های پسابرجامی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در *SmartPLS3*.

بنابرا خروجی نرم‌افزار *SmartPLS3* و با توجه به جدول ۸ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقدار آماره t محاسبه شده برابر با $14/441$ و بیشتر از $1/96$ است، اثر متغیر حضور منطقه‌ای ایران بر تحریم‌های پسابرجامی با ضریب مسیر $0/753$ و با احتمال ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۸. نتایج تحلیل تأثیر حضور منطقه‌ای ایران بر تحریم‌های پسابرجامی

رابطه بین متغیرها	ضریب مسیر	عدد معناداری (آماره تی)	جهت رابطه	نتیجه
حضور منطقه‌ای ایران \Leftarrow تحریم‌های پسابرجامی	۰/۷۵۳	۱۴/۴۴۱	مثبت و مستقیم	تأیید

ضریب مسیر مثبت بین متغیرها $0/753$ به این مفهوم است که با افزایش یک انحراف استاندارد حضور منطقه‌ای ایران، تحریم‌های پسابرجامی دوره ترامپ به اندازه $0/753$ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. بنابراین با توجه به بررسی‌های به عمل

آمده می‌توان با قاطعیت نتیجه گرفت که با توجه به داده‌های گردآوری شده تأثیر حضور منطقه‌ای ایران بر تحریم‌های پسابرجامی تأیید می‌شود.

۱۰. مقایسه نگرش «نخبگان دانشگاهی» و «نخبگان اجرایی»

با توجه به اینکه پاسخ‌دهندگان به فرم پرسش‌نامه باید در بخش هویتی فرایند نظرسنجی، گزینه‌ای را که مرتبط با تعیین نوع و دسته تعلق‌شان به پیشه تدریس دانشگاه یا سمت اجرایی را مشخص کند، بنابراین تأثیر تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران را در دو گروه جامعه آماری این پژوهش یعنی «نخبگان دانشگاهی» و «نخبگان اجرایی» نیز بررسی کرده‌ایم. بنابراین برای بررسی تأثیر تحریم بر عرصه جامعه سیاسی، در دو گروه نخبگان آکادمیک و نخبگان اجرایی آزمون T دو نمونه‌ای مستقل را به کار بردیم.

جدول ۹. آمار استنباطی آزمون T دو نمونه مستقل

گروه	میانگین	سطح معناداری آزمون لوین (sig)	اختلاف میانگین	سطح معناداری آزمون T (sig)	نتیجه
نخبگان دانشگاهی	۲/۹۸۴	۰/۳۲۲	۰/۱۵۵	۰/۰۸۸	تأیید
نخبگان اجرایی	۲/۸۲۹				

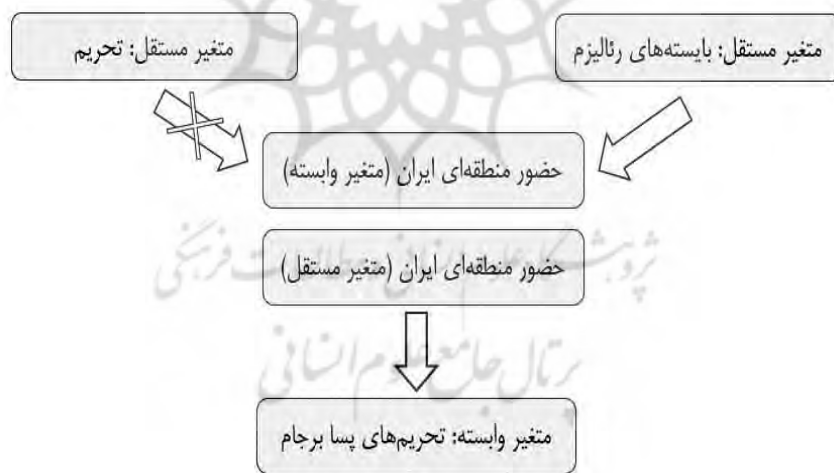
با توجه به نتایج به دست آمده، طی آزمون T دو نمونه‌ای مستقل، برای بررسی تأثیر «تحریم» بر «حضور منطقه‌ای ایران» در هر دو گروه «نخبگان دانشگاهی» و «نخبگان اجرایی»، سطح معناداری آزمون لوین ۰/۳۲۲ تساوی واریانس‌های دو جامعه نخبگان آکادمیک و نخبگان اجرایی را تأیید می‌کند. همچنین سطح معناداری آزمون T دو نمونه مستقل در حالت تساوی واریانس‌ها بالای ۰/۰۵ و معادل ۰/۰۸۸ است که نشان می‌دهد هیچ تفاوت معناداری بین میانگین تأثیر تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران در دو گروه نخبگان آکادمیک و نخبگان اجرایی وجود ندارد و با هم برابرند.

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۵۵

به عبارت دیگر؛ با توجه به اینکه میانگین تأثیر تحریم بر بستر حضور منطقه‌ای ایران در هر دو گروه، کم‌تر از مقدار ۳ (حد وسط طیف ۵ تایی لیکرت) به دست آمده است، می‌توان نتیجه گرفت که از نظر هر دو دسته جامعه آماری تحریم سبب کاهش نفوذ منطقه‌ای نشده، آنچه سبب حضور منطقه‌ای ایران شده همانا بایسته‌های منطق واقع‌گرایانه بوده است و نیز همین نفوذ منطقه‌ای ایران سبب تحریم‌های پسابرجامی علیه کشور شده است.

۱۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بنا به مدل مفهومی (Conceptual Model) ترسیم شده که جایگزین فرضیه پژوهش ما شده است، متغیرها و گویه‌های عرصه حضور منطقه‌ای ایران را به شرح نمودار زیر ترسیم، و سپس هر گویه را به شرحی که آمد تحلیل نظری و سپس تحلیل آماری داشتیم:



نمودار ۱. مدل مفهومی متغیرها و گویه‌های عرصه حضور منطقه‌ای ایران

در واکاوی گویه نفوذ منطقه‌ای ایران به‌رغم تحریم‌های طولانی‌مدت و فراگیر و

اعمال هزینه‌های سرسام‌آور موازنه‌گری ایران با هژمون بین‌المللیه کامیابی‌های ایران در رشد نفوذ منطقه‌ای‌اش پرداختیم. ایران توانست با همکاری روس‌ها، از سقوط اسد در سوریه جلوگیری کند، در عراق شیعیان طرفدار جمهوری اسلامی دست بالای قدرت را داشته و همکاری تنگاتنگی با کردها داشته باشند؛ صنعا توسط حوثی‌ها تصرف و حکومت منصور عبدربه با فرار به عربستان ساقط شود. مسلم است که تحریم یا لغو آن با برجام یا بازگشت دوباره تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، تأثیری در ایجاد یا رشد یا حتی احتمال کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران نداشته و ندارد. به اعتقاد محقق، ریشه‌های قدرت نرم و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا را می‌توان به دو دسته مؤلفه تفکیک کرد: علل مرتبط با تحولات منطقه‌ای که به حضور اولیه ایران پیش از برهم زدن نظم سنتی منطقه توسط یورش آمریکا؛ حضور پس از حمله مستقیم آمریکا به منطقه؛ کنش دیگر بازیگران منطقه‌ای و تحولاتی چون پیدایش بهار عربی و داعش می‌پردازد. دسته دیگر ریشه‌های نفوذ منطقه‌ای ایران نیز به قدرت نرم آن مرتبط است یعنی قرابت فرهنگی و مذهبی و وجود تنوع قومی مذهبی؛ ایدئولوژی ظلم‌ستیزی و عدالت‌محوری شیعی و همچنین روح حکمرانی جهانی - ایرانی.

در بخش تحلیل آماری داده‌های سؤالات ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۳۲ از پرسش‌نامه، با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای، فرض صفر آزمون تی تک نمونه‌ای مستقل پذیرفته شده و فرض مقابل آزمون مبنی بر مخالف بودن میانگین اثرگذاری تحریم بر مؤلفه حضور منطقه‌ای ایران با عدد ۳ (حد وسط طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای) رد می‌شود. درواقع، رابطه معناداری در تأثیرگذاری تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران وجود ندارد. یعنی در نگرش نخبگان، تحریم‌ها، موجد کنش و نفوذ منطقه‌ای ایران نیست. پس: متغیر «تحریم» بر متغیر «حضور منطقه‌ای ایران» تأثیری نگذاشته است.

براساس مدل مفهومی طرح پژوهش، پس از رد تعیین‌کنندگی تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران، به بررسی متغیر مستقل دیگری برای کنش فرامرزی ایران در منطقه غرب آسیا نیاز داریم. با گویه بایسته‌های منطق رئالیزم به این پرداختیم که ساختار

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۵۷

هژمونیک نظام بین‌الملل، کنش دولت‌ها را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، این الزامات و بایسته‌های نواقح گرایانه حاکم بر منطقه غرب آسیاست که حضور منطقه‌ای ایران را ایجاد و توجیه می‌کند. چرا که بیشینه‌سازی قدرت یک دولت، سبب تشدید رقابت و آشوب مزاید در محیط آنارشیکی می‌شود پس بنابراین ایران نیز مانند هر دولت دیگری در پی بیشینه‌سازی قدرت خود در منطقه ژئوپولیتیکی و آنارشیکی پیرامون خویش است. پاسخ هژمون بین‌الملل به روند طبیعی بیشینه‌سازی قدرت ایران، به صورت پرش از آوردگاه مستقیم، به سوی زمین‌های بازی چندگانه‌ای مانند نبردهای نیابتی و هم تحریم اقتصادی و جنگ روانی و رسانه‌ای و فرهنگی و بهره‌گیری از اپوزیسیون‌هاست. مقوله دیگر تحلیل شده در این بخش، درخصوص لزوم تدوین دکترین حضور منطقه‌ای منطبق بر منافع و آرمان‌هاست. نظام بین‌الملل امروز به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بیش از پیش غیرایدئولوژیک شده در نتیجه هرگونه کاربرد ایدئولوژی به‌ویژه مخالفت و موازنه با نظم ساختار جهانی موجب افزایش هزینه برای دولت موازنه‌کننده خواهد شد.

در تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده از پاسخ نخبگان به سؤالات پرسش‌نامه که به بررسی مقوله رابطه میان بایسته‌های منطق رئالیزم (متغیر مستقل) و حضور منطقه‌ای ایران (متغیر وابسته) براساس طراحی مدل مفهومی تعیین داشتیم، با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در *SmartPLS3* به این نتیجه رسیدیم که تأثیر بایسته‌های منطق رئالیزم بر حضور منطقه‌ای ایران تأیید شد.

در بررسی گویه تحریم‌های پسابرجامی تحلیل شد که نتیجه موازنه با ایالات متحده و متحدانش در منطقه، هزینه‌های سنگین اقتصادی برای ایران همراه داشت و باعث کاهش توانمندی ایران در عرصه جهانی شد؛ چراکه با تحریم‌های اقتصادی و نفتی عملاً اقتصاد ایران از گردونه اقتصاد جهان خارج شد و بحران رکود اقتصادی این کشور را دربرگرفت. رقابت نیابتی ایران با ساختار هژمونیک را ناشی از جدال موقعیت تک - چندقطبی نظریه نواقح‌گرایی هانتینگتون و استفان والت تحلیل کردیم. در نتیجه

نگرانی غرب از نفوذ بالای ایران در منطقه غرب آسیا و جایگزینی نگرانی از هژمونی منطقه‌ای ایران با احساس تهدید هسته‌ای این کشور، به‌ویژه اینکه ایران طی موافقت‌نامه برجام، هیچ تعهدی که براساس آن، ملزم به تغییر راهبرد منطقه‌ای خود شود را نپذیرفته است، بنابراین آمریکا از این موافقت‌نامه خارج شد تا اجرای آن را به تحولات خاورمیانه گره زند و به محدودسازی کنش ایران در منطقه بپردازد.

در تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده از پاسخ‌هایی که نخبگان به سؤالات پرسش‌نامه در مقوله رابطه میان حضور منطقه‌ای ایران (متغیر مستقل) و تحریم‌های پسابرجامی (متغیر وابسته) براساس طراحی مدل مفهومی تعیین داشتیم، با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در *SmartPLS3* به این نتیجه رسیدیم که تأثیر حضور منطقه‌ای ایران بر تحریم‌های پسابرجامی تأیید می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، نگرش نخبگان جامعه آماری ما تأیید داشتند آنچه موجد تحریم‌های پسابرجام شده است، نگرانی از حضور و نفوذ بالای منطقه‌ای ایران است.

سیاسگزاری

نویسندگان مقاله از کلیه نخبگان دانشگاهی و اجرایی جامعه آماری پژوهش فراروی، به‌خاطر درک اهمیت تحقیق درباره پیامدهای تحریم و شرکت در طرح پیمایش پژوهش، نهایت تشکر و امتنان را دارند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بایسته است تا از داوران محترم نشریه «مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل» برای ارائه نظرهای اصلاحی و همچنین پیگیری‌های دلسوزانه کارشناس محترم نشریه، سرکار خانم شریفی، سیاسگزاری کنیم.

پیوست‌ها

پیوست ۱. فرم سؤالات پرسش‌نامه

- ۰۱ از ۳۵ - تحریم‌ها سبب کاهش تولید در صنایع و کشاورزی گردید.
کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
- ۰۲ از ۳۵ - آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در وابستگی به صادرات نفت، در پی تحریم‌ها کاهش نیافته است.
کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
- ۰۳ از ۳۵ - تحریم‌ها و عدم رابطه تجاری و مالی با بخش بزرگی از جهان، تنها دلیل مشکلات اقتصاد و تورمی ایران نیستند.
کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
- ۰۴ از ۳۵ - تحریم‌ها علیه ایران نتوانست سبب مهار برنامه موشکی (محدودسازی موشک‌های دور برد) این کشور گردد.
کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
- ۰۵ از ۳۵ - تحریم‌ها علیه ایران سبب مهار نسبی برنامه هسته‌ای این کشور شده است.
کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
- ۰۶ از ۳۵ - کندی روند رشد و توسعه اقتصادی ایران، بیشتر از آنکه به «تحریم‌ها» برگردد، به دلیل «فقدان دولت توسعه‌گرا» و «سوءمدیریت‌های خود مسئولین» است.
کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
- ۰۷ از ۳۵ - تنگناهای معیشتی و اقتصادی مردم، بیشتر از آنکه معلول «تحریم‌ها» باشد، به دلیل «عدم شایسته‌سالاری و ضعف سیستم نظارتی و بازرسی فساد مالی و اداری» است.
کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
- ۰۸ از ۳۵ - تحریم و فراز و فرودهای غیرمنطقی ارز و نرخ تورم، سبب افزایش شکاف طبقاتی در جامعه گردیده است.
کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
- ۰۹ از ۳۵ - تحریم‌ها در همه کشورها، بیش از آنکه بر تغییر تصمیمات «رژیم سیاسی» مؤثر باشد، سبب نقض حقوق بشر اولیه در شهروندان غیرنظامی به‌ویژه زنان و کودکان آن کشور شده است (نظیر حق حیات، حق آزادی عبور و مرور و نیز نسل سوم حقوق بشر مانند حق بر صلح، حق بر

توسعه، حق بر بهداشت و دارو و حق بر سلامت، حق دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان، حق بر مالکیت و حق بر آزادی کسب‌وکار).

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۱۰ از ۳۵ - برای رهایی از تنگنای معیشتی مردم و الزامات توسعه‌ای کشور، ایران باید سریع‌تر به مذاکره با تحریم‌کنندگان بپردازد.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۱۱ از ۳۵ - علی‌رغم بایسته‌های توسعه‌ای کشور و مشکلات معیشتی مردم، ایران نباید همه شروط تحریم‌کنندگان (پیرامون محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای، موشکی و کنش منطقه‌ای) را بپذیرد.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۱۲ از ۳۵ - مطابق تجربه برجام، مذاکره با آمریکا، هیچ تأثیری در رفع تحریم‌ها و مشکلات معیشتی مردم ندارد.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۱۳ از ۳۵ - تحریم‌های آمریکا علیه مردم ایران و تنگنای شدید اقتصادی، سبب تشدید انزجار تاریخی از این کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شده است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۱۴ از ۳۵ - فشار «تحریم‌ها» بیش‌تر از آنکه سبب «نارضایتی عمومی از رژیم» داخل گردد، سبب «برداشت منفی از دنیای خارج بی تفاوت نسبت به مشکلات مردمی» گردیده است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۱۵ از ۳۵ - تحریم‌ها علیه مردم ایران و تنگنای معیشتی نتوانسته به‌طور مستقیم سبب ایجاد شکاف جدی میان مردم و رژیم شود.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۱۶ از ۳۵ - بخشی از اعتراضات دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ علیه کلیت رژیم سیاسی کشور بوده است، نه صرفاً اعتراض به گرانی‌ها و مشکلات معیشتی و عدم عدالت توزیعی.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۱۷ از ۳۵ - جامعه توده‌ای ایران طی دوره‌های انتخاباتی دارای شور سیاسی و فعال می‌شوند به‌دلیل همین دل‌زدگی مردم از سیاست، تحریم‌ها نتوانست به اعتراضات گسترده مردمی منجر شود.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۶۱

۱۸ از ۳۵ - تحریم‌ها سبب چنددستگی‌های سیاسی در سطح مسئولین و رهبران حکومت ایران نشده است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

۱۹ از ۳۵ - تحریم‌ها هیچ تأثیر چشمگیری بر مطالبات قومیتی - زبانی کشور با مطالبات احتمالی نداشته است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

۲۰ از ۳۵ - کاربست طولانی مدت تحریم‌ها علیه ایران سبب شده است مردم ایران با شرایط تحریمی خو بگیرند و تنگناهای معیشتی و تورمی برایشان عادی گردد.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

۲۱ از ۳۵ - به دلیل «نبود ایدئولوژی انقلابی و برانداز مدون»، «تحریم‌ها» تأثیری در ایجاد شکاف علنی مردم و رژیم و اعتراضات واقعی برانداز نشده است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

۲۲ از ۳۵ - میزان نارضایتی مردم از ناکارآمدی مسئولین سیاسی در ایران و تنگنای معیشتی ناشی از تحریم به قدر براندازی هست، لیکن به دلیل فقدان شبکه فراگیر و تقسیم نیروها در شبکه‌های مختلف واقعی و مجازی، تنها در حد پتانسیل باقی مانده است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

۲۳ از ۳۵ - الزامات و بایسته‌های کنش منطقه‌ای ایران را می‌توان در چارچوب رئالیزم حاکم بر خاورمیانه (اصل بقا، بازدارندگی و بی‌اعتمادی به غرب) ارزیابی کرد.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

۲۴ از ۳۵ - علی‌رغم تحریم همه‌جانبه علیه ایران، شاهد روند افزایشی بسط نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا هستیم.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

۲۵ از ۳۵ - تحریم‌ها علیه ایران تأثیری در تغییر کنش منطقه‌ای ایران نداشته است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

۲۶ از ۳۵ - تحریم‌ها تأثیری در تغییر رویکرد ایران در حمایت از گروه‌های اسلامی در عراق و لبنان و یمن و ... نداشته است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

۲۷ از ۳۵ - تحریم‌ها سبب تغییر رویکرد سیاست خارجی ایران نسبت به رژیم صهیونیستی اسرائیل نگردیده است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۲۸ از ۳۵ - غرب و به‌ویژه آمریکا تلاش دارند تا با منزوی‌سازی ایران و محدودسازی مبادلات تجاری - مالی و تنگنایهای اقتصادی، مانع از آنچه آنان حمایت ایران از تروریسم در خاورمیانه می‌دانند گردند.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۲۹ از ۳۵ - پس از روی کار آمدن ترامپ و با بسط نفوذ منطقه‌ای ایران، نگرانی غرب از «هژمونی منطقه‌ای» آن، جایگزین «تهدید هسته‌ای» این کشور شده است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۳۰ از ۳۵ - علت خروج آمریکا از برجام و عدم اجرای کامل برجام توسط جهان غرب، این است که آنها در پی کنترل حضور منطقه‌ای ایران هستند.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۳۱ از ۳۵ - همچنان‌که رابرت هانتز (سفیر پیشین آمریکا در ناتو) معتقد است، تحریم‌کنندگان در نهایت، امنیت مشروع ایران در غرب آسیا و کار در حوزه‌های منافع مشترک با این کشور را می‌پذیرند.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۳۲ از ۳۵ - قدرت نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا به مراتب بیشتر از سطح نفوذ رقبای منطقه‌ای (مانند عربستان و ترکیه) و حتی آمریکاست.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۳۳ از ۳۵ - دست شستن از کامیابی‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی در خاورمیانه به بهانه تنش‌زدایی، با منطق واقع‌گرایانه هم‌خوان نیست؛ به همین روی جمهوری اسلامی نباید هیچ مذاکره‌ای فراتر از برجام را بپذیرد.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم
۳۴ از ۳۵ - حضور منطقه‌ای ایران تنها به‌خاطر تأمین امنیت خود یا راهبرد صدور انقلاب است و تأمین منافع اقتصادی جزء اهداف و برنامه‌های اجرایی سیاست خارجی کشور نبوده و از مزیت‌هایی چون قرابت جغرافیایی و فرهنگی و آشنایی منطقه‌ای خود بهره‌ای در جهت تأمین منافع اقتصادی خود نبرده است.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

تحریرها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۶۳

۳۵ از ۳۵ - ایران یاید هر چه زودتر دکترین میزان و سطح حضور منطقه‌ای خود را منطبق بر منافع و آرمان‌های خویش تدوین نماید.

کاملاً موافقم موافقم نه موافق، نه مخالف موافق نیستم اصلاً موافق نیستم

پیوست ۲. جامعه آماری پژوهش پیمایش

اسامی نخبگان آکادمیک به شمار ۵۰ نفر به ترتیب حروف الفبایی عبارت‌اند از:

اباذری، یوسف (دانشگاه تهران)؛ آزاد ارمکی، تقی (دانشگاه تهران)؛ اسماعیلی سنگری، محمدحسین (دانشگاه گیلان)؛ بهرامی مقدم، سجاد (دانشگاه گیلان)؛ پوراحمدی میدی، حسین (دانشگاه شهید بهشتی)؛ پولادی، کمال (دانشگاه آزاد اسلامی)؛ توحیدلو، سمیه (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)؛ جانسیز، احمد (دانشگاه گیلان)؛ جعفری، علی‌اکبر (دانشگاه مازندران)؛ جمشیدی، محمدحسین (دانشگاه تربیت مدرس)؛ چگنی‌زاده، غلامرضا (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ حشمت‌زاده، محمدباقر (دانشگاه شهید بهشتی)؛ خرمشاد، محمدباقر (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ دژپسند، فرهاد (دانشگاه شهید بهشتی)؛ دهشیار، حسین (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ راغفر، حسین (دانشگاه الزهرا)؛ رضوی، مهدی (دانشگاه شهید بهشتی)؛ رفیع، حسین (دانشگاه مازندران)؛ رنانی، محسن (دانشگاه اصفهان)؛ زاهدی‌وفا، محمدهادی (دانشگاه امام صادق^(ع))؛ ستاری‌فر، محمد (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم (دانشگاه روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه)؛ سریع‌القلم، محمود (دانشگاه شهید بهشتی)؛ سیف، اله‌مراد (دانشگاه امام حسین)؛ سیمبر، رضا (دانشگاه گیلان)؛ شریف‌زاده، محمدجواد (دانشگاه امام صادق^(ع))؛ شیخ‌الاسلامی، محمدحسن (دانشگاه روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه)؛ صنایعی، علی (دانشگاه شهید بهشتی)؛ طالبی آرانی، روح‌اله (دانشگاه شهید بهشتی)؛ طباطبائی، سیدمحمد (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ عباسی اشلقی، مجید (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ عبدخدایی، مجتبی (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ عسگرخانی، ابومحمد (دانشگاه تهران)؛ فاضلی، محمد (دانشگاه شهید بهشتی)؛ قربانی شیخ‌نشین، ارسلان (دانشگاه خوارزمی)؛ قریشی، فردین (دانشگاه تهران)؛ کریمی، غلامرضا (دانشگاه خوارزمی)؛ کریمی‌مله، علی (دانشگاه مازندران)؛ کولایی، الهه (دانشگاه تهران)؛ کیوان حسینی، سیداصغر (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ گل محمدی، ولی (دانشگاه تربیت مدرس)؛ متقی، ابراهیم (دانشگاه تهران)؛ مصلح؛ پگاه (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)؛ موسوی شفائی، سیدمسعود (دانشگاه تربیت مدرس)؛ مؤمنی، فرشاد (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ میرفخرایی، سیدحسن

(دانشگاه علامه طباطبائی)؛ نورمحمدی، مرتضی (دانشگاه علامه طباطبائی)؛ نوریان، اردشیر (دانشگاه تهران)؛ هدایتی شهیدانی، مهدی (دانشگاه تهران).

اسامی **نخبگان اجرایی** نیز به شمار ۵۰ نفر به ترتیب حروف الفبایی عبارت‌اند از:

ابوترابی فرد، سیدمحمدحسن (نماینده پیشین مجلس)؛ افروغ، عماد (نماینده پیشین مجلس)؛ اکبری تالارپشتی، عزت‌اله (نماینده مجلس)؛ آوایی، سیداحمد (نماینده مجلس)؛ باهنر، محمدرضا (نماینده پیشین مجلس)؛ بهاروند، محسن (معاون وزیر امور خارجه در امور حقوقی و بین‌المللی)؛ بهمنی، محمود (نماینده پیشین مجلس و رئیس کل بانک مرکزی ایران از ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲)؛ پورابراهیمی داورانی، محمدرضا (نماینده مجلس)؛ پیرهادی، محسن (نماینده مجلس)؛ تاجگردون، غلامرضا (نماینده مجلس)؛ تقی‌پور انوری، رضا (نماینده مجلس)؛ توکلی، احمد (نماینده پیشین مجلس، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام)؛ جلالی، کاظم (نماینده پیشین مجلس، سفیر ایران در روسیه)؛ چنارانی، هاجر (نماینده مجلس)؛ حبیب‌زاده بوکانی، انور (نماینده مجلس، کمیسیون امنیت ملی)؛ حسینی، سیدشمس‌الدین (نماینده مجلس، وزیر امور اقتصاد و دارایی پیشین)؛ حسینیان، روح‌الله (نماینده پیشین مجلس)؛ حکیمی‌پور، احمد (نماینده پیشین مجلس، دبیر کل حزب اراده ملت ایران)؛ خاندوزی، سیداحسان (نماینده مجلس)؛ خضریان، علی (نماینده مجلس)؛ ذوالنوری، مجتبی (نماینده مجلس، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی)؛ رحیمی جهان‌آبادی، جلیل (نماینده مجلس)؛ رهبر، فاطمه (نماینده مجلس)؛ زاکانی، علیرضا (رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون ویژه بررسی برجام، نتایج و پیامدهای آن)؛ زنگنه، محسن (نماینده مجلس)؛ سیاری، حبیب‌الله (معاون هماهنگ‌کننده ارتش جمهوری اسلامی ایران)؛ ظریف، محمدجواد (وزیر امور خارجه دولت یازدهم و دوازدهم)؛ عراقچی، سیدعباس (معاون امور سیاسی وزارت امور خارجه، از اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران با گروه ۱+۵)؛ علی‌زاده، محسن (نماینده مجلس)؛ عمویی، ابوالفضل (نماینده مجلس)؛ غفوری فرد، حسن (نماینده پیشین مجلس)؛ فلاح‌پیشه، حشمت‌اله (نماینده پیشین مجلس)؛ قادری، جعفر (نماینده مجلس)؛ کریمی قدوسی، جواد (نماینده مجلس)؛ کواکبیان، مصطفی (نماینده پیشین مجلس)؛ کریمی، علی‌اکبر (نماینده مجلس)؛ گلرو، عباس (نماینده مجلس)؛ مالکی، فداحسین (نماینده مجلس)؛ محمودوند، مرتضی (نماینده مجلس)؛ مظاهری خورزنی، طهماسب (وزیر امور اقتصادی و دارایی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳، رئیس کل بانک مرکزی ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۷)؛ مفتاح، محمدمهدی (نماینده مجلس)؛ موسوی، سیدنظام‌الدین (نماینده مجلس)؛ نادران، الیاس (نماینده مجلس)؛ نهایندیان، محمد (معاون اقتصادی

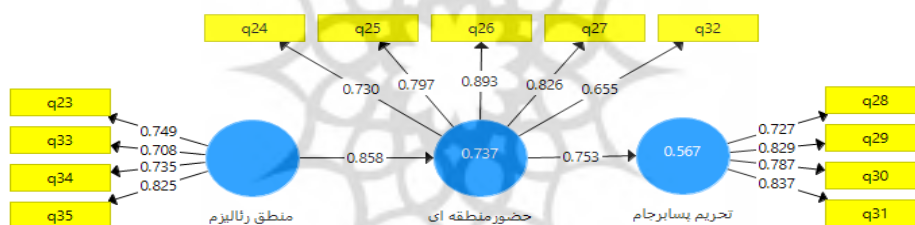
تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۶۵

رئیس‌جمهور؛ نویخت، محمدباقر (معاون رئیس‌جمهور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، دبیرکل حزب اعتدال و توسعه)؛ نیکزاد ثمرین، علی (نماینده مجلس)؛ نیلی، فرهاد (مشاور ارشد مدیر اجرایی در بانک جهانی)؛ نیلی، مسعود (دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی در دولت دوازدهم/ معاون پیشین سازمان برنامه و بودجه)؛ هرمیداس باوند، داوود (رئیس پیشین کمیته حقوق مجمع عمومی سازمان ملل، سخنگوی هیئت رهبری جبهه ملی)؛ الهیان، زهره (نماینده پیشین مجلس)

پیوست ۳. توصیف آماری و تحلیل آماری توصیفی

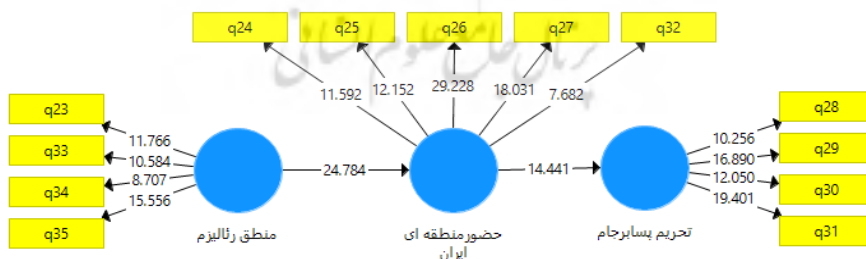
جدول ۱۰. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	تعداد گویه	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
تأثیر تحریم بر حضور منطقه‌ای ایران	۱۳	۲/۹۱	۰/۴۱۰	۱/۹۲	۴/۰۰



مأخذ: خروجی نرم‌افزار Smart PLS3

نمودار ۲. ضریب مسیر استاندارد شده بین مؤلفه‌های تأثیر «تحریم» بر «حضور منطقه‌ای ایران»



مأخذ: خروجی نرم‌افزار Smart PLS3

نمودار ۳. ضریب معناداری بین مؤلفه‌های تأثیر «تحریم» بر «حضور منطقه‌ای ایران»

منابع

- آری، دانالد، لوسی چسر جیکوبز و اصغر رضویه (۱۳۸۰). روش تحقیق در تعلیم و تربیت، ترجمه: وازگن سرکیسیان، مینو نیکو و ایما سعیدیان، تهران، مرکز پژوهش و سنجش افکار.
- تقی‌نژاد، روح‌الله (۱۳۹۸). «بررسی ریشه‌های قدرت نرم و نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، پنجمین همایش بین‌المللی نظام بین‌الملل، تحولات منطقه‌ای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، <https://irfp5.atu.ac.ir/paper?manu=106353>
- شرمن، وندی روث (۱۳۹۸). بدون هراس، ترجمه: محمد جمشیدی و حافظ رستمی. تهران، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (سروش).
- علیخانی، حسین (۱۳۸۴). تحریم ایران: شکست یک سیاست، ترجمه: محمد متقی‌نژاد، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- فتاحی، سجاد، روح‌الله قاسمی، محمد فکری و محدثه جلیلی (۱۳۹۷). پایداری ملی و سیستم‌های حکمرانی؛ ایران و مسئله پایداری، گزارش، تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- گریفتس، مارتین (۱۳۹۱). نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم، ترجمه: علیرضا طیب، چاپ دوم. تهران، نشر نی.
- مصطفی‌نژاد، عباس (۱۳۹۶). «سیاست‌گذاری اقتصادی کنترل تحریم در فرایند دیپلماسی هسته‌ای»، فصلنامه سیاست، ۳ (۴۷).
- میرشایمر، جان (۱۳۸۹). تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان. تهران، ترجمه و ناشر معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس.
- هافبوئر، گری کلاید، جفری جی. اسکات، کیمبرلی آن الیوت و باربارا اوگ (۱۳۹۲). بازخوانی تحریم‌های اقتصادی، ترجمه: نادر جعفری. تهران، طلوع دانش.
- هنسن، برث، پیترو تافت و آندره ویول (۱۳۹۰). راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکائی: قدرت از دست رفته، ترجمه: سیدامیر نیاکویی و احمد جانسیز، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان.
- Alikhani, Hossein (2000) *Sanctioning Iran: Anatomy of Failed Policy*, Translated by Mohammad Mottaghinejad. London, I. B. Tauris, (in Persian).

تحریم‌ها و حضور منطقه‌ای ایران؛ ... (روح‌الله تقی‌نژاد و هادی آجیلی) ۷۶۷

- Auten, Brian J. (2008). *Carter's Conversion: The Hardening of American Defense Policy*, Columbia, University of Missouri Press.
- Bradford, Ana and Omori Ben-Shahar (2012). "Efficient Enforcement in International Law", *Chicago Journal of International Law* 12 (2).
- Carter, Barry E. (2009). *International Economic Sanctions: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cordesman, Anthony and Khalid R. Al-Rodhan (2006). *Iran's Weapons of Mass Destruction: The Real and Potential Threat*, Canada, Csis Publisher.
- Donald Ary, Lucy Cheser Jacobs, Chris Sorensen and Asghar Razavieh (2010). *Introduction to Research in Education*, Translated by Vazgen Sargsyan, Mino Niko and Ima saeidian, Canada, Wadsworth, (in Persian).
- Fattahi, Sajjad. Roholla Ghasemi, Mohammad Fekri and Mohaddese Jalili (2018). *National Stability and Governance Systems; Iran and the Issue of Sustainability*, Tehran: Report of Center for Strategic Studies, (in Persian).
- Griffiths, Martin (2007). *International Relations Theory for the Twenty-First Century*, Translated by Alireza Tayeb, London, Routledge. (in Persian).
- Hansen, Birthe, Peter Toft and Anders Wivel (2008). Translated by Seyed Amir Niakoyi and Ahmad Jansiz. *Security Strategies and American World Order: Lost Power*, London, Routledge, (in Persian).
- Hufbauer, Gary Clyde, Jeffrey J. Schott, Kimberly Ann Elliott and Barbara Oegg (2009). *Economic Sanctions Reconsidered*, Translated by Nader Jafari, Washington, D.C, Peterson Institute for International Economics, (in Persian).
- Klieman, Aharon (2015). *Great Powers and Geopolitics, International Affairs in a Rebalancing World*, New York, Springer International Publishing.
- Mafi, Homayon (2007). "The Dilemma of U.S Economic Sanctions on Iran", *The Iranian Journal of International Affairs*. 19 (4).
- Mearsheimer, John J. (2014). *The Tragedy of Great Power Politics*, Translated by Gholamali Chegenizadeh, New York, W. W. Norton and Company (in Persian).
- Mossalanejad, Abbas (2017). *Economic Policy-Making On Sanctions Control Throughout The Process Of Nuclear Diplomacy*, Tehran, *Politics Quarterly: Journal of faculty of Law and Political Science*, Vol: 47 (in Persian).
- Nephew, Richard (2017). Translated by Islamic parliament research center of the Islamic Republic of Iran, *The Art of Sanctions: A View from the Field*, New York, Columbia University Press (in Persian).
- Resende-Santos, Joao (2007). *Neorealism, States and the Modern Mass Army*, New York, Cambridge University Press.
- Sherman, Wendy Ruth (2018). *Not for the Faint of Heart; Lessons in Courage, Power and Persistence*, Translated by Mohammad Jamshidi and Hafez Rostami, New York, NY: Public Affairs.
- Sick, Gary G. (1986). *All Fall Down: America's Tragic Encounter With Ira*, London, Penguin Books.
- Taghinejad, Roholla (2019). "A Study of the Roots of Soft Power and Iran's Influence in the West Asian Region", 5rd International Conference on International system, regional developments and IRAN's foreign policy, Tehran, available at: <https://irfp5.atu.ac.ir/paper?manu=106353>, (in Persian).
- Thaler, David E., Alireza Nader, Shahram Chubin, Jerrold D. Green, and Charlotte Lynch. 2010. *Mullahs, Guards, and Bonyads: An Exploration of Iranian Leadership Dynamics*. Santa Monica: Rand Corporation Publisher.
- Avraham, Rachel (2013). *Are the Iranians the New Sultans of the Middle East?* Oct 3.

- Accessed 12 25, 2019. <https://foreignpolicyblogs.com/2014/10/03/are-the-iranians-the-new-sultans-of-the-middle-east>.
- Fischer, Joschka (2014). *The Middle East's New Winners and Losers*. Nov 3, Accessed 12 26, 2019. <https://www.project-syndicate.org/commentary/iran-kurds-middle-east-regional-influence-by-joschka-fischer-2014-11?barrier=accesspaylog>.
- Goldman, David P. (2014). *The One-State Solution Is on Our Doorstep*. July 14. Accessed Aug 18, 2019. <https://www.meforum.org/4753/israel-one-state-solution>.
- Horowitz, Alana (2014). *Henry Kissinger: I am 'A' if I get Poobean Than SSS..* Sep 06. Accessed 11 20, 2019. http://www.huffingtonpost.com/2014/09/06/henry-kissinger-iran-isis_n_5777706.html.
- Hunter, Robert E. (2010). *Rethinking Iran, Survival*. Report, usa: Rand, <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/00396338.2010.522101>.
- Kaye, Dalia Dassa (2019). *With Chaos in the Streets of Iran, Here's How the United States Could Help the Iranian People*, Dec 03. Accessed 11 24, 2019, <https://www.rand.org/blog/2019/12/with-chaos-in-the-streets-of-iran-heres-how-the-us.html>.
- Maloney, Suzanne (2017). *The Roots and Evolution of Iran's Regional Strategy*. Report, Washington D.C., Atlantic Council, Accessed 12 28, 2019. <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/the-roots-drivers-and-evolution-of-iran-s-regional-strategy>.
- Miller, Benjamin (2017). *4 Middle East Events That Helped Expand Iran's Influence*, Dec 10. Accessed Jan 21, 2019. <https://nationalinterest.org/feature/4-middle-east-events-helped-expand-irans-influence-23583>.
- Modell, Scott and David Asher (2013). *Pushback; Countering the Iran Action Network*. Article, usa: Center for a New American Security, https://www.files.ethz.ch/isn/169182/CNAS_Pushback_ModellAsher.pdf.
- Takht Ravanchi, Majid (2021). Twitter post [@TakhtRavanchi]. Feb 4 - 4:30 PM. Accessed Feb 26, 2021. <https://twitter.com/TakhtRavanchi/status/1357312977372803075>.
- UNSC Resolution 2231 (2015). "Adopted by the Security Council at its 7488th meeting", UNdocs, July 20, Accessed 10 26, 2019. [https://undocs.org/S/RES/2231\(2015\)](https://undocs.org/S/RES/2231(2015)).
- Zakaria, Fareed (2014). *The fight against the Islamic State must include Iran*, Sep 25. Accessed 11 08, 2019, https://www.washingtonpost.com/opinions/fareed-zakaria-the-fight-against-the-islamic-state-must-include-iran/2014/09/25/e6757500-44e0-11e4-9a15-137aa0153527_story.html.